

کتابخانه
جمهوری اسلامی
ایران

خ

۱۰

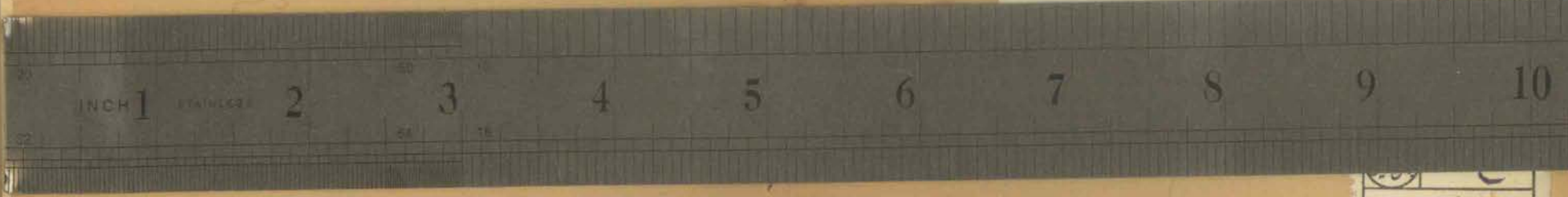
کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مصباح الالفاظ و زاد اللغات

مؤلف: ...

موضوع: لغت و ادب

شماره ثبت کتاب: ۶۴۳۲۸

۱۰

۲۰۱
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای ملی

مصحف ابن ابی زینب زوارک زین

مؤلف
موضوع

شماره ثبت کتاب
شماره قفسه ۶۳۳۲۸



فهرست رساله

فصل اول در ذکر بعضی ایات و اخبار باین مضمون ... فصل دوم در تصویر وضع کعبه در بیان اکران اضلاع آن
فصل سوم در بیان موقع توجیه اهل بلاد مشهور باین مضمون ... فصل چهارم در بیان نسبت بلد مطلوب طالع و عرضا با کعبه
فصل پنجم در بیان مقدار درجات انحراف از مشرق ... فصل ششم در بیان مقدار طول و عرض بلاد مشهوره
فصل هفتم در بیان ارضه هندیه و استخراج نظر قبله از آن ... فصل هشتم در بیان استخراج مقدار انحراف از ارضه هندیه
فصل نهم در بیان جدی و طریق سرفتن آن ... فصل دهم در بیان کیفیت علامتی جدی بقبله
فصل یازدهم در علامتی مشرق و مغرب بقبله ... فصل دوازدهم در کیفیت علامتی قمر بقبله

فصل سیزدهم در بیان تشخیص قبله با قیاس و محاربه با جد سلیم و دو جهان
فصل چهاردهم در بیان استجاب تبار قریب بابل عراق و اشکال و توجیه آن
فصل پانزدهم در وجه اقرب بودن استخراج قبله با ارضه هندیه در وقت
بودن آفتاب در درجه هشتم جزا و یا بیت و سیم سرطان
فصل شانزدهم در بیان حدود اقالیم سبقت با ذکر بعضی بلاد و احوال در هر یک
فصل هجدهم در بیان مقدار اختلاف باین الساعات بلاد مشهوره
فصل نهم در بیان موجبات اختلاف رؤیت بلال در بعضی بلاد
دوون بعضی در بیان ضابطه تقارب و تباعد آفاق و بیان حکم رؤیت
خاتمه در بعضی فوائد نافعه



مصحح
السالكين و
المسافرين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ
وَالْأُمَّةِ الطَّاهِرِينَ * چون استقبال کعبه معظمه زاد ما الله
شرفا علاوه از استحباب کراجه آن در موارد عدیده در صورت
امکان در بعضی موارد واجب مثل حال اجتناب و غسل و صلوة و
دفن اموات و در بعضی حرام مثل حال تخلی و در برخی شرط صحت
مثل صلوات فرائض و در بعضی موارد شرط حلیت کما در مذبح
و محراب پس علم بماذاه کعبه در صورت امکان لازم و در اماکن بعیده
که غالباً تحصیل علم بنابل اشخاص غیر مقدور میباشد اما مراتب مفیده
ظن با تقدیم الاقوی فالاقوی کفایت نیاید از آنجا نیکه غالب اشخاص

فصل اول

مثل اعمی از جهتا و ظنی بقبله باز عاجز میباشد کفایت میکند در حق
او ظن حاصل از قول اهل خبره و لو فاسق یا کافر بوده باشد و کفایت نمیکند
قول واحد ولو صاحب منزل باشد در صورت عدم حصول ظن از
قول او و اعتماد بقول عدلین با تمکن از تحصیل علم محل اشکاست کما اینکه
اعتماد بقول عدلین با وجود ظن برخلاف محل کلام و بهتر احتیاط است
و نظر بر ائمه مزبور و علماء اعلام رضوان الله الملک العلام و تعیین قبله
اغلب بلاد رحمت بسیار کشیده اند و این حقیر کثیر انقصیر طلبنا رضایه
و طبعاً فی عفرانه همین کتاب موسوم بمصباح السالکین و زاد المسافرین را
در تعیین قبله اکثر آفاق تألیف و با فضول عدیده مرتب ساخته از ناظرین
محترمین متمسک ادعیه خبریه میباشد و اما قبل اهل علم محمد بن عبد الکرم
الموسوی ابریزنی استبهره مولینا * **فصل اول**
در ذکر بعضی آیات و اخبار مناسبه بمقام منها قوله تعالی فی
سورة البقره قَدْ نَزَّلْنَاهُ مِنْ سَمَاءٍ فَتَلَوْنَهَا وَجْهَاتِ السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ
فِتْنَةً تَرْضَاهَا قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ
قَوْلُوا أَوْجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنِ الدِّينُ أَوْ قَوْلُ الْكِتَابِ لِيُغْلِبَنَّ

فصل اول

أَنَّ الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ مراد از قبله نظر
السجده احرام کعبه معظمه است بموجب اخبار صریح و آنچه در بعض اخبار
مستبره وارد شده کعبه قبله اهل مسجد و مسجد قبله اهل حرم و حرم قبله
اهل دنیا است اشاره با تسامح جهت است بعنوان تقرب با فہام
زیرا کہ جسم ام مقابلہ برتہ را بقصد باشد در محاذات تسامح
پیدا نماید پس قبله قریب بعید و اہل مسجد و غیر ہم نفس کعبه است
و محاذات کعبه بکافہ اہل عالم واجب و محاذات عقیدہ غیر لازم و عرفیہ
کافی میباشد و مراد از نفس کعبہ بنیہ بیت نیست بلکہ مراد
فضای بیت است از تخوم ارض تا عنان سما کہ اینکہ در
بعض اخبار معتبرہ تصریح باین شدہ پس لازم مراعات فضای نزول
خواہ مقرر شخص افضل از بنیہ کعبہ باشد یا اعلی از ان و خواہ بنیہ
باقی یا العیاذ باللہ منہم باشد پس موضوع احکام فضای
بنیہ است از تخوم ارض الی عنان سما نفس بنیہ و منہا
قولہ تعالی فی سۃ البقرۃ ایضاً وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ
فَإِنَّمَا تُوتَلَوْنَ بِحُجَّتِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

این

فصل اول

این آیه شریفہ اگر چه علی الظاہرسانی مدلول آیه سابقہ است لکن بعد از اطلاق
باخبار و تفاسیر توہم منافات مرفوع و توافق واضح میباشد زیرا کہ
سورہ نزول آیه ثانیہ صلوٰۃ ناخذ است مطلقاً بموجب بعض اخبار یا در
حال سفر بموجب بعض آخرا یا قبلہ متخیر کا اینکہ منہا بعض اخبار است
علاوہ از وجہ نزولہ ممکن است دفع ثانی بنا بر کتاب حذف مفعول
قُولُوا اِی فَا نَبْمَا تُولَوْنَ و جُو هَا کُم شَطْرَ الْمَجِدِّ الْحَرَامِ پس مقصود
از آیه شریفہ بیان اینست کہ خداوند احدیت بت جمیع بلاد و عبادت
در ہر بلدی از مشرق کہ نصف دنیا است و یا از مغرب کہ نصف آخرت
ہر گاہ تویید و جہ نمایند بشرط مسجد حرام کہ عبارت از کعبہ باشد فَمَنْ وَجَّهَ اللَّهُ
اِی رِضْوَانَهُ وَمِنْهَا قَوْلُهُمْ فِی سُوْرَةِ الْاَنْعَامِ وَهُوَ الَّذِی جَعَلَ
لَكُمْ الْجِبُومَ لَتَهْتَدُوا بِهَا فِی ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَضَّلْنَا الْاٰیٰتِ
لِعٰلَمٍ یَّعْلَمُوْنَ وَمِنْهَا قَوْلُهُمْ فِی سُوْرَةِ النَّحْلِ وَبِالْحِجْمِ هُمْ یَهْتَدُوْنَ
وَعَنِ الْعِیَاشِیِّ فِی تَفْسِیْرِ الْحِجْمِ فِی نِیْلِ الْاٰیَةِ عَنْ النَّبِیِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِ
هُوَ الْحِجْمُ لِاَنَّ الْحِجْمَ لَا یُرْوَلُ وَعَلِیْهِ بِنَاؤُ الْعِیْلَةِ وَبِهِ یَهْتَدِیْ اَهْلُ الْبَرِّ
وَ الْبَحْرِ وَمِنْهَا مَا فِی التَّهْدِیْبِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَاعِدٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ

عن

فصل دومی

عن احمد بن محمد بن عمار قال سئل عن القبلة قال عليه السلام
 ضَعِبَ الْجِدُّ فِي قَفَاكَ وَوَصَلَ وَمِنْهَا مَا فِي الْغَضْبَةِ قَالَ رَجُلٌ لَأَصْنَا
 عَلَيْهِ اِنِّي اَكُوْنُ فِي السَّفَرِ لَا اَهْتَدِي الْقِبْلَةَ بِاللَّيْلِ قَالَ اَعْرِفْ
 الْكَوْكَبَ الَّذِي يُقَالُ لَهُ جِدُّ فَلْيَنْعَمْ قَالَ اجْعَلْهُ عَلَى بَيْتِكَ وَاِذَا
 كُنْتَ فِي طَرَفِ الْحَجِّ فَاجْعَلْهُ بَيْنَ كَيْفَيْكَ قَالَ فِي الْوَأَفِ بَعْدَ ذِكْرِ
 هَذَيْنِ الْخَبْرَيْنِ مَا هَذَا لِقَوْلِهِ هَذِهِ الْعَلَامَةُ اِنَّمَا نَسْتَعِينُ لَاهِلِ الْعِرَاقِ وَ
 رَأَى الْخَبْرَ الْاَوَّلَ وَهُوَ مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ عِرَاقِيٌّ وَاِنَّمَا سئل عَنْ قِبْلَةِ بِلَادِهِ
 وَلِكُلِّ نَاحِيَةٍ عَلَامَةٌ غَيْرُ عَلَامَةِ الْاُخْرَى وَمِنْهَا مَا فِي الْهَيْدِيبِ عَنْ عِيْنِهَا
 قَالَ سئل عَنْ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِذَا لَمْ تَرَ الشَّمْسَ وَلَا الْقَمَرَ
 وَلَا النُّجُومَ قَالَ اجْتَهِدْ رَأْيَكَ وَتَعَدَّ الْقِبْلَةَ جِهَدَكَ وَمِنْهَا
 مَا فِي الْهَيْدِيبِ عَنْ ^{بِهِ} قَالَ قَالَ ابُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجُزِي الْقُرْبَى
 اَبْدًا اِذَا لَمْ يُعْلَمْ وَجْهُ الْقِبْلَةِ **فصل ثانی** در تصویر وضع کعبه
 مبارکه بدان که کعبه منظمه زاده است شرفا شش بر چهار ضلع و چهار رکن
 یکی از ارکان که حجر اسود بر آن منسوبست رکن حجر میماند و تسمیه
 این رکن عراقی خالی از وجه است رکن حجر اسود از محاذه شرق

فصل دومی

(۷)

اعتدال قلبی بجانب جنوب یا بل بعد از یک شرق اعتدال محاذی باین
 باب کعبه و حجر اسود واقع شده پس انب تسمیه این رکن است بر کن شرقی
و رکن دیگر که رکن حجر اسود از طرف باب کعبه بان منستی میشود
 رکن عراقی و بعضی شامی میماند **و رکن** دیگر که رکن عراقی
 از طرف حجر اسمیل بان منستی میشود رکن غربی میماند که مقابل حجر
 اسود است **و رکن** چهارم که از رکن غربی بان منستی میشود
 رکن یمانی میماند که مقابل رکن عراقی است پس بیت و است
 ارکان و اضلاع اربعه است **ضلع** واقع باین رکن حجر اسود
 و رکن عراقی بیت چهار ذراع و شبری است از رکن حجر اسود تا
 دم باب بیت چهار ذراع و عرض باب بیت ایضا چهار ذراع و تسمیه
 این ضلع از زمین باب تارکن عراقی تا زده ذراع و یکو حبت است
و ضلع ثانی که از عراقی تا رکن غربی باشد و نیز اب بیت
 در وسط آن واقع است (بیت دو) ذراع است که عرض بیت
 باشد **و ضلع** ثالث که باین رکن غربی و یمانی است موافق
ضلع اولست **و ضلع** چهارم که باین رکن یمانی و رکن حجر اسود

فصل سوّم

از مقابل خود که ضلع ثانیست که کجاست و عرصه مسجد الحرام محیط است
با طرف کعبه لکن با اختلاف در سه ضلع و کذا لکن احاطه حرم
بمسجد الحرام اختلاف دارد زیرا که قدر حرم از طرف بین کعبه چهار میل و از
طرف یساران هشت میل است پس طول حرم بنا بر این دوازده میل که
عبارت از چهار فرسخ باشد و مراد از زمین بیت رکن ثالث است
که رکن غربی میماند و مراد از یسار رکن اول است که عبارت از رکن
حجر الاسود باشد **فصل ششم** در ذکر موقع توجّه اهل
بلاذ شهور **از حرم الاسود تا باب کعبه که قریب بس**
ضلع طویلست موقع توجّه اهل بعض بلاد هند است مانند هملو آره
و حوالی آن و فضائی باب که آن نیز قریب بس است موقع توجّه
اهل چین و دیبل و بنارس و منصوره هند و اگر و دهنی و غیر
و تمامه و حوالی آنهاست و از باب تا نصف آن ضلع که نهایت
سدس ثالث است موقع توجّه اهل الحجاز و یمن و مولاتان قطیف
و بحرین و قندهار و کشمیر و سینیان و کرمان و بخارا
و قزاقستان و بلخ و شیراز و بلخ و فاریاب است

فصل سوّم

و سدس اربع موقع توجّه اهل برات و قسطنطنیه و پیش بلخ و سمرقند و
ترت و قراقرم و کشمیر و قون و سمرقند و کاشغر و خراس و کش
و خجند و بخارا و در افترت و طوس و نبالک و المان و سبزدار است
و سدس خاس موقع توجّه اهل صغناخ و کاشان و بصره و سمرقند
و کرکاج و قم و ری و ساری و قزوین و ساوه و لایجان و بند
و سدس سادس که فنی است برکن ثانی موقع توجّه اهل بادکوبه و مدینه
رودس و شامی و بخارا و باب الابداب (شیردان) و بزرگه و قسطن
و اردبیل و تبریز و بغداد و کوفه و سمرقند است پس موقع توجّه
عراق عرب و عجم باین کن اقب است و لذا اهل تحقیق این رکن را رکن
عراقی مینامند و سیمه این رکن شمالی ایضا خالی از وجه نیست از این رکن
تا رکن غربی که ضلع عرضی بیت است سدس اول آن موقع توجّه
اهل موصل و اردن الروم و حوالی آنهاست و سدس ثانی
موقع توجّه اهل ارزنجان و حلب و حوالی آنهاست و سدس ثالث
که فنی بیزاب میشود موقع توجّه اهل انطاکیه و طلیطه و رودنیه کبری و
طرابلس شام و دمشق و حمص و قسطنطنیه و مدینه مشرفه و قسطن

(۹)

فصل سوم

و صور و عققان و بیت المقدس است و بجهت قرب توجّه اهل شام
 باین رکن از سایر ارکان رکن عسکری را رکن شامی هم نامند
 و ششس رابع موقع توجّه اهل اسکندریه و اندلس و مصر و حوالی
 آنهاست و ششس خاس موقع توجّه اهل طرابلس و غرب و
 قیروان و طابرت و تونس و سویس اقصی و نواحی آنهاست
 و ششس سادس که فنی بر رکن غربی است محاذی چیزی از بلاد
 مشهوره نیست و تسمیه این رکن بفرنی بجهت قرب آنست از مغرب اعتدال
 و یا بجهت قرب موقع توجّه اهل بلاد مغرب است باین رکن از سایر ارکان
 زیرا که موقع توجّه ایشان سدس خاس این ضلع است و از رکن
 غربی تا رکن یمانی که ضلع دیگر طول بیت ثالث اضلاعست ششس
 ازل آن موقع توجّه اهل دمشق و اکثر بلاد نوبه است و سدس
 ثانی موقع توجّه اهل بحر می و سایر بلاد حبشه است و ششس ثالث
 محاذی بلاد مشهوره نیست و سدس رابع و خاس و سادس موقع
 توجّه اهل بعضی از بلاد یمن است مثل زبید که از بلاد یمن و در زمان
 نامون بنا شده و از رکن یمانی تا رکن حجه الاسود که ضلع دیگر

فصل سوم

عرض بیت درابع اضلاعست ششس اول آن موقع توجّه اهل
 صنعای یمن و حوالی آنست پس این رکن از دو جانب ببلاد یمن محاذی
 دارد و لذا رکن یمانی نامند و اگر جنوبی هم نامند خالی از وجهت
 و سدس ثانی و ثالث و رابع و خاس این ضلع محاذی ببلاد مشهوره
 نیست و سدس سادس که فنی بر حجر الاسود است موقع توجّه اهل
 سونات و سرتزینب و حوالی آنهاست و بر عارف بر وضع کرده و اهل
 فن پرشیده نیست که مراتب مزبوره در حکم مشاهد با عیان است
 پس مقالات مخالفه با مراتب مزبوره در نزد اهل فن محل اعتماد
 نیاست مثل آنچه این شاذان از قرار یک حکایت شده در رساله
 قبله ذکر نموده که قبله مولتان و کابل و قندهار باین رکن یمانی و
 حجر الاسود است و مثل آنچه در شرایع ذکر نموده که موقع توجّه اهل عرف
 رکن حجه الاسود است و مثل آنچه از شهید ثانی در مسالک در شرح و
 توجیه عبارت محقق صادر شده بعد از حمل عبارت شرایع بر تقریب
 حکم فرموده که قبله و موقع توجّه اهل عراق بباب کعبه است و حال
 آنکه رکن حجر الاسود قریب بمحاذی مشرق اعتدال است و بحال

فصل چهارم

خلافی نیست در اینکه قبله اهل عراق و عجم جنوب نزدیکتر بلکه
بعضی مثل موصل به عین جنوب است این چگونه ملاحظه شود با جمل رکن حجر
الاسود قبله و موقع توجه اهل عراق و چگونه مناسب میشود با استجاب
تیا سه نسبت با اهل عراق و اما بنا به تحقیق مزبور که سدس سادس از
ضلع اول موقع توجه غلب اهل عراق و عجم است که چه تیار
نسبت با اهل عراق باز خالی از اشکال نمیباشد تقریبی که در فصل
چهارم درم شرح و ملاحظه خواهد شد لکن قول به تیا سه در قرب که
که موجب ادخالت در محاذات باشد خالی از قوه نمی باشد کما اینکه
در فصل مزبور روشن خواهد شد **فصل چهارم** در بیان
نسبت هر یک از بلاد مطلوبه با یکدیگر منظره زاده الله شد فا از جهت طول
و عرض بدانکه نسبت هر یک از بلاد مطلوبه با یکدیگر منظره خالی از اقسام
است کما نسبت زیرا که بلد مطلوب با یکدیگر مساوی است در طول
فقط یا در عرض فقط یا این که در هر دو مخالف است و بر تقدیر
اول یا عرض بلد مطلوب زاید از عرض کده است یا بعکس آن
و بر تقدیر ثانی طول بلد مطلوب یا زاید از طول کده است یا ناقص از او

فصل چهارم

و بر تقدیر ثالث طول و عرض بلد مطلوب یا زاید است از طول و عرض کده
یا بالعکس و یا اینکه بلد مطلوب زاید است از کده طول و ناقص است عرض
یا بعکس آن چون صورتی ممکنه خالی از اقسام است کما نسبت پس بیان
حکم هر یک از اقسام مزبوره لازم است اما قسم اول که بلد مطلوب
با کده طول مساوی و عرضا زاید باشد تقریباً مثل موصل و یا تقریباً پس قبله
آن نقطه جنوب میباشد اما قسم دوم که عرض بلد مطلوب ناقص از عرض
کده باشد با تساوی در طول پس قبله آن نقطه شمال میباشد و اما قسم
سیم که بلد مطلوب عرضا مساوی با کده و طولاً زاید باشد یعنی کده در
غرب بلد مطلوب واقع شود پس قبله بلد مطلوب نقطه مغرب خواهد بود
و اما قسم چهارم که بلد مطلوب با کده در عرض مساوی لکن طول کده از آن
زاید باشد یعنی کده در شرق بلد مطلوب واقع شود پس قبله بلد مطلوب نقطه
شرق خواهد بود این چهار قسم بقرا که صاحب جواهر فرموده
محتاج بذکر علامت نمیباشد بخلاف اقسام چهارگانه آئینه بجهت فرض انحراف
دیس آنها از نقطه شرق و غرب جنوب شمال که محتاج بذکر علامت
میباشد و اما قسم پنجم که طول و عرض بلد مطلوب زاید از طول و عرض

فصل پنجم

(۱۳) که می باشد پس قبله آن در باین نقطه جنوب و مغرب که می باشد و اما
 قسم هشتم که طول و عرض که زائد از طول و عرض بلد مطلوب است پس
 قبله آن بلد در باین نقطه شرق و شمال که خواهد بود و اما قسم نهم که طول بلد
 مطلوب زائد از طول که و عرض آن ناقص از عرض که باشد پس قبله
 آن بلد در باین نقطه مغرب و شمال که می باشد و اما قسم هشتم که
 طول بلد مطلوب ناقص از طول که و عرض آن زائد از عرض که می باشد
 پس قبله آن در باین نقطه جنوب و شرق که خواهد شد پس در این
 اقسام اربعه اخیره لابدیم از معرفت مقدار انحراف بلد مطلوب تا ظن
 بقبله آن حاصل آید و مراد از طول و عرض بلاد مشرق و خا و فصل ششم
 بیان خواهد شد **فصل پنجم** در بیان مقدار انحراف بلاد
 مشهوره باید از نقاط اربعه مذکوره بقرار یک حضرات اهل فن و فقهاء
 اعلام در کتب مربوط بعنوان تحقیق یا تقریب مملون حاصل از تحریری
 مانور به در بعض اخبار مستیره استخراج و ضبط نموده اند گرچه در عالم
 انصاف بملاحظه اختلافات صادره از حضرات اعلام مثل مجلسی
 و والد بنانی و صاحب مستند و رضی الدین مستند و بنی و غیرهم و ملاحظه

فصل پنجم

(۱۵) سایر بقدرات که اهل ترویج با آنها مطقت می باشد علم مجازا از اول
 که ممکن است ظن مجازا را هم منع نماید مکن علم لاقول اطمینان بجهت
 از ملاحظه کلمات ایشان حاصل خواهد شد و اگر نسبت با اهل بلاد
 استقبال جهت را کافی دانیم در نهایت آسوده میباشیم و الا با ملاحظه
 ضم سایر علامات و نویدات آتیه ممکن است علم با ظن معتبر مجازا حاصل
 گردد. **فصل پنجم** باید دانست که انحراف باعتبار بلاد
 واقع در باین نقاط اربعه چهار نوع است نفع اول بلادیکه
 انحراف قبله آنها از نقطه جنوب بسمت مغرب است که عبارت
 از بلاد است که طول و عرض آنها زائد از طول و عرض که می باشد که
 ایکه اکثر بلاد مشهوره بدینجهت است

نوع اول از فصل پنجم

اسما بلاد	درجه	تقیه	اسما بلاد	درجه	تقیه
سداس	۷	خوی	۸		
مداین	۸	سزمن زای	۹	۵۶	
بلغار	۹	رضائیه	۹		

فروع اول از فصل پنجم

اسما بلاد	درجه	دقیقه	اسما بلاد	درجه	دقیقه
لنهران	۱۱		شمکوره	۱۱	
مرند	۱۲		طه	۱۲	
کر بلا	۱۲		بفهاد	۱۳	
نجف	۱۳		الآن	۱۴	
نخار	۱۴		کنج	۱۵	
ریشکوره	۱۵		تبریز	۱۵	۴۰
مراغه	۱۶	۱۷	تفلیس	۱۶	
اردبیل	۱۷	۱۳	مغان اردبیل	۱۸	
نخجوان	۱۸		در بند باب الا بواب	۱۸	
بردعه	۱۸		بسیلقان	۱۸	
قره بلخ	۱۸	۵۰	قصر شیرین و مغان	۱۹	
بادکوبه	۲۰		شاشی	۲۰	۹
خلوان و دوط	۲۱		همدان	۲۲	
دینور	۲۲		کرمانشاه	۲۳	
دامادند	۲۳		لاهیجان	۲۳	
نهادند	۲۳		شهرزور	۲۳	

فروع اول از فصل پنجم

اسما بلاد	درجه	دقیقه	اسما بلاد	درجه	دقیقه
سهرورد	۲۴		کربا شهر روس	۲۴	
استاداد	۲۴	۳۴	دیلم	۲۴	۵۶
فومن	۲۴	۵۶	دیلمجان	۲۴	۵۶
زنگان و خوا	۲۵		بروجرد	۲۵	
برسم طبرستان	۲۶		رودس	۲۷	
قزوین	۲۷	۳۴	طالقان	۲۷	۳۴
ساده	۲۸		انزلی و الموت	۲۹	۳۷
لنگور	۳۰		کرج	۳۰	
آوه	۳۰		ساری	۳۱	
کورج	۳۱		ری	۳۱	
قم	۳۲		کلار	۳۲	
سلطان آباد	۳۲		آمل	۳۲	
کجور	۳۲		کلبایگان	۳۲	
سیرم	۳۳		ساریه	۳۴	
شوشه	۳۴	۲۴	خوار و مینان و سمنان	۳۴	
دیمه	۳۴		جنابد	۳۵	

نوع اول از فصل پنجم

اسما بلاد	درجه	دقیقه	اسما بلاد	درجه	دقیقه
کاشان	۳۵		استرآباد	۳۶	
ایروان	۳۶		فراوه	۳۶	
بصره	۳۶		عسکر کرم	۳۶	
ابکون استرآباد	۳۷		سمنان	۳۷	
طهران	۳۷		کرکاج	۳۷	
وردق	۳۷		خوارزم	۳۷	
دامغان بهبهان	۳۸		ابد بصره	۳۸	
جرمقان	۳۸		صفهان	۳۹	
بسطام	۴۰		عبادان بصره	۴۰	
بارفروش	۴۰		رامهرمز و جرجان	۴۰	
مزنجان درو	۴۱		طراز	۴۲	
بیارجمند	۴۲		سبزوار	۴۲	
قیساریه	۴۲		شیردان نهران	۴۴	
نیشابور	۴۴	۲۵	ابر قودوس	۴۵	
نناکت	۴۶		المایع	۴۶	
سرخس	۴۷		یزد	۴۸	۲۹

نوع اول از فصل پنجم

اسما بلاد	درجه	دقیقه	اسما بلاد	درجه	دقیقه
تون	۴۸		ترشیز	۴۸	
نخجند	۴۸		سرقند	۴۹	
بکارا	۴۹		نوبندجان	۴۹	
بلاد شاپور	۴۹		کشت	۵۰	
دهرشت	۵۰		شیراز	۵۱	
زوزن	۵۱		هرات	۵۱	
کازران	۵۱	۵۷	یوشج هرات	۵۲	
بادغیس هرات	۵۲		مرو	۵۲	
لمبیس	۵۲	۱۵	اسروشنه و صطخر	۵۳	
ورقان	۵۴		کاشغر گستان	۵۴	
سیراف	۵۵		فاریاب	۵۶	
صفانینان	۵۷		بجر بحرین	۵۷	
جیس فیروزآباد	۵۸		نصق	۵۸	
کرمان	۵۸		بلخ	۵۹	
اشروقان	۵۹		کابل	۵۹	
قاین	۶۰		بحرین	۶۰	

فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
پش پانچ	۶۱		قراشم	۶۱	
سیستان	۶۲	۱۸	جمنان	۶۳	
تبت	۶۴		تبت	۶۵	
قبادیان	۶۵		اندراب	۶۵	
بایران	۶۶		جو زجان	۶۸	
لماورقندار	۶۸		زما سیر کرمان	۶۸	
قطیف و احسا	۶۹		کشمیر	۶۹	
خان پانچ پون	۷۱		جیرفت کرمان	۷۱	
هرمز کرمان	۷۲		مولتان بندر عسکری	۷۲	
بتمامه	۷۳		بیماره	۷۴	
بردر کرمان	۷۵		لاهور	۷۵	
اورکنج ترکستان	۷۸		منصور بسند	۸۱	
دوکل و دلی	۸۳		اکره	۸۴	
بنارس بسند	۸۶				

تمامی بلاد مزبور که قبل آنها انحراف از نقطه جنوب است
در مابین نقطه شمال و نقطه مشرق واقع شده و موقع توجه اهل بلاد

فصل پنجم

مزبور و از اول سدس ثانی ضلع اول گرفته تا آخر سدس مساوی
ضلع مزبور یعنی از اول فضای باب بیت تا رکن عراقی شمالی که رکن
شامی می نامند .

فوجی و قمران فیصل پنجم بلادیکه انحراف قبل آنها از نقطه جنوب
بست مشرق است که عبارت از بلاد است که طلاً از که ناقص عرضاً زانند باشد

فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
طایف و اربیل	۱		تلازجر و خلاط	۴	
ارزن الروم و بکر	۵		سیواس عثمانی	۵	
بصبین	۶		ارزنکان و تان	۸	
قرقیا	۹		سبجاری	۱۰	
دیار بکر و ارسین	۱۱		ماروبین و دواند	۱۱	
رقه	۱۴		حرلان	۱۵	
علب	۱۶		شمشاط	۱۸	
انطاکیه	۱۹		ملطیه	۲۰	
سرین	۲۲		بعلبک	۲۳	
دینه سوزه	۲۸		دمشق	۲۸	
طرابلس شام و حصص	۲۹		قنبرین	۳۰	

نوع دوم از فضیله پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
عموری و روم کبری	۳۱		سواس	۳۳	
طرسوس	۳۵		قطیفیه	۳۶	
شعبه صور شام	۳۷		قونیه عثمانی	۳۸	
ماقدونیه	۴۲		عسقلان	۴۴	
طرسینا	۴۵		بیت المقدس	۴۷	
صیدا	۵۶		اسکندریه	۵۸	
دیسا طمصر	۵۹		قلزم	۶۵	
قوص طرابلس	۷۶		خرطبه دارالملک	۷۷	
مدینه	۸۰		قصر دان	۸۱	
تا بخت علیا		۸۷			

تمامی بلاد مزبور که قبله آنها از نقطه جنوب سمت مشرق انحراف دارد
 مابین نقطه شمال و نقطه مغرب واقع شده و موقع توجه انالی بلاد مزبور
 از اول سدس ثانی ضلع ثانی گرفته تا آخر سدس خامس ضلع مزبور
 منتهی شده یعنی از اول سدس ثانی رکن عراقی شمالی مزبور که
 رکن شامی هم گویند گرفته تا یک سدس برکن غربی مانده ختم
 شده

فصل پنجم

نوع ثالث از فضیله پنجم بلادیکه انحراف قبله آنها از نقطه
 شمال سمت مشرق است

نوع سیم از فضیله پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
صنای مین عدن	۱		زبید	۲۲	
جرمی دارالملک	۵۳		دمقله	۶۴	
سوس اقصی	۷۵		طنجه مغرب	۸۴	

بلاد مزبور که قبله آنها از شمال مشرق انحراف دارد مابین نقطه مغرب
 و جنوب واقع شده و موقع توجه انالی آنها از اول ضلع ثالث
 گرفته تا آخر آن منتهی شده یعنی مابین رکن غربی و رکن یابانی جنوبی
 نوع سابع بلادیکه انحراف قبله آنها از نقطه شمال سمت
 مغرب است

نوع رابع از فضیله پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
سرنزب	۶۶		سوسات	۷۱	
ماچین دارالملک	۸۴		نهلواره	۸۸	

بلاد مزبوره منحرفه از شمال بمغرب باین نقطه جنوب و نقطه مشرق
واقع شده و موقع توجه ابالی آنها بصلع رابع است که باین
رکن یافنی جنوبی درکن حجه الاسود باشد * * *
فصل ششم در بیان طول و عرض بلاد مشهوره از آنجا یکی
در معرفت قبله دانستن مقدار طول و عرض بلاد و خلیت نامه دارد
فلهذا صرف عنان قلرا به بیان طول و عرض بلاد ضرور و لازم دانسته
بدانکه طول بلاد را یونانیون از جانب مغرب از جزایر خالدها
ملاحظه نموده اند که جزایر است و جزایر سوسم گویند که فعلا بحر محیط
غربی احاطه بانها کرده و باین ساحل بحر غربی محیط و جزایر خالدها
ده درجه ملاحظه بنمایند یعنی جزایر مزبوره از ساحل دریاده درجه مغرب
نزدیکتر است لکن علمای هند طول بلد را از مشرق ملاحظه بنمایند
تا در این ساله عمل مشهور که مضمور در باین یونانیین است بنماییم *
و اما عرض بلد را تمامی علمای نسبت بخط استواء ملاحظه میکنند
و باید دانست که تفاضل بیکه درجه عرضا باین اهل حساب و فن گما
ایکجه تقصیر نموده اند موجب تفاوت سافت میت و دو فرج

در دو شع فرج است در صورت اختلاف عرضی فقط نه اختلاف
طولی فقط یا اختلاف در هر دو مگر اینکه هر دو بلد در خط استواء باشند
چه در آفاق باشد یا به حساب تضایق نصف النهارین این ضابطه جاری
نی شود و از آنجا نیکه نسبت سائر بلاد با مکه از جهت طول و عرض خالی
از چهار نوع نیست زیرا که سائر بلاد یا زائد است از مکه طولا و عرضا
یا بعکس آن و یا اینکه ناقص است از مکه عرضا و زائد است طولا
و یا بعکس آن پس اکتفا است که هر یک از انواع چهارگانه را
مستقلا ذکر نماییم و باید دانست که نوع اول که عبارت باشد از بلاد
طول و عرض آنها زائد از طول و عرض مکه است چنانچه این بلاد در
باین نقطه شمال و شرق مکه واقع خواهند شد * * *

عرض مکه		فوج اول		طول مکه	
درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
۲۱	۳۰	۷۷	۱۰	۳۷	۱۰
عرض بلاد		طول بلاد		اسما بلاد	
درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
۲۲		۸۴		۲۴	
بحرین		بحرین		بحرین	

فروع اقل از فصل ششم

(۲۶)

اسکان بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
قطیف	۲۵		۸۴	
دبیل	۲۵	۱۰	۸۸	۲۰
بجرج	۲۵	۴۵	۸۳	
فتوح	۲۶	۳۵	۸۷	۵۰
بنارس	۲۶	۵۵	۱۰۲	
بید	۲۷	۱۵	۹۸	
جرف	۲۷	۳۰	۹۳	
منصوره	۲۸		۸۸	
کنج	۲۸	۵	۹۳	
فیروزآباد	۲۸	۱۰	۸۷	۳۰
بتم	۲۸	۳۰	۹۴	
اسیراف	۲۹		۸۸	
زماگیر	۲۹		۹۴	۲۰
کازران	۲۹	۱۵	۸۷	
شیراز	۲۹	۳۶	۸۸	۳۰

فروع اقل از فصل ششم

(۲۷)

اسکان بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
بروسه	۲۹	۵۰	۶۲	۲۰
مرنان	۳۰		۸۸	۳۵
بصره	۳۰		۸۴	
عمادان	۳۰		۸۴	۳۰
سابور	۳۰		۸۷	۵۵
اصطوخ	۳۰		۸۸	
نوبندجان	۳۰	۱۰	۸۷	۱۵
البد	۳۰	۴۵	۸۴	
جنتی	۳۱		۹۳	
ابواز	۳۱		۸۵	
زافهرنر	۳۱		۸۵	۴۵
جندیابور	۳۱	۱۵	۸۴	۵
عسکرکرم	۳۱	۱۵	۸۴	۳۰
کوند	۳۱	۳۰	۷۹	۳۰
یزد	۳۲		۸۹	

نوع اول از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلد		طول بلاد	
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
لاهور	۳۲	۵۰	۱۹	
هندستان				
شهر	۳۲	۳۰	۱۵	
خزستان				
خراباد قان	۲۲	۱۵	۱۵	۳۰
عراق فارس				
واسط	۳۲	۲۰	۱۱	۳۰
عراق عرب				
صفهان	۳۲	۲۵	۱۷	
عراق فارس				
زرنج	۳۲	۳۰	۹۷	
بجستان				
زما سیر	۳۲	۳۰	۶۴	۲۰
کرمان				
طبرستان	۳۲	۱۵	۹۴	۱۵
قوهستان				
مدین	۳۳	۱۰	۷۹	
عراق عرب				
بمنه	۳۳	۲۰	۱۱	۵۵
افغان				
طبرستان	۳۳	۳۰	۹۲	
قوهستان				
خرز	۳۳	۳۵	۱۱	۲۰
زابلستان				
قاین	۳۳	۴۰	۹۳	۲۰
قوهستان				
سرمین رزی	۳۴		۷۹	
عراق عرب				
کاشان	۳۴		۹۶	
عراق فارس				

نوع اول از فصل ششم (۲۹)

اسامی بلاد	عرض بلد		طول بلاد	
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
ناحیه				
بخش	۳۴	۱۰	۷۸	۳۰
عراق عرب				
رباط ایب	۳۴		۸۵	
کرمان بلوچستان				
سین	۳۴	۱۵	۸۵	۴۰
بیرفارس و بصره				
بامیان	۳۴	۱۵	۱۰۲	
افغانستان خراسان				
نهادند	۳۴	۲۰	۸۳	۱۵
عراق فارس				
موصل	۳۴	۳۰	۷۷	۱۱
ارمنیه				
مراغه	۳۴	۲۰	۸۰	
آذربایجان				
کربت	۳۴	۳۰	۸۸	۲۰
ارمنیه				
مابین	۳۴	۴۰	۸۵	
فارس				
بلو شیخ	۳۴	۵۰	۹۴	۵
افغانستان خراسان				
ارمن	۳۵		۷۷	۲۰
ارمنیه				
تهران	۳۵		۸۷	۴۰
عراق فارس				
ترشیز	۳۵		۹۲	
خراسان				
دینور ماه کوفه	۳۵		۸۳	
عراق عرب				
کثیر (قشیر)	۳۵		۸۴	
هندستان				

نوع اول از فصل ششم

استاد بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
همدان	۳۵	۱۰	۸۵	
زوزن	۳۵	۲۰	۹۳	۳۰
تون	۳۵	۲۰	۸۸	۳۰
بادغیس	۳۵	۲۰	۹۴	۲۰
جویبار	۳۵	۲۰	۹۸	
اره جان	۳۵	۲۰	۸۷	۳۰
شهرزور	۳۵	۲۰	۸۸	۲۰
هرات	۳۵	۲۰	۹۴	۲۰
نخوار	۳۵	۴۰	۸۷	۱۰
سار	۳۵	۴۲	۸۹	۵۰
سنان	۳۶		۸۸	
اندراب	۳۶		۹۶	
سمنجان	۳۶		۱۰۲	
سبزورد	۳۶		۸۳	۲۰
کرتخ	۳۶		۸۲	۴۵

نوع اول از فصل ششم

استاد بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
ناحیه				
سبزوار	۳۶	۵	۹۲	۳۰
طالقان	۳۶	۱۰	۸۵	۴۵
دیمه	۳۶	۱۰	۸۷	۲۰
بنظام	۳۶	۱۰	۸۹	۳۰
قم	۳۶	۱۵	۸۷	۴۰
نیشابور	۳۶	۲۱	۹۴	۳۰
کج و گلار	۳۶	۲۵	۸۶	۵۰
دامغان	۳۶	۲۰	۸۸	۱۵
دیجان	۳۶	۳۰	۸۳	۴۰
مروروز	۳۶	۳۰	۹۷	
آبهر	۳۶	۴۵	۸۴	۳۰
فاریات	۳۶	۴۵	۹۹	
ولایت	۳۶	۴۵	۱۰۲	۲۰
استرآباد	۳۶	۵۰	۹۰	۳۵
نیشابور	۳۶	۵۱	۸۱	

نوع اول از فصل ششم

اسامی بلاد	عضو بلاد		طول بلاد	ناحیه
	درجه	دقیقه		
خرمان	۳۶	۵۵	۹۵	خرمان
خرمن	۳۷		۹۷	خرمان
طوس	۳۷		۹۱	خرمان
مزنجان	۳۷		۸۸	خرمان
بذخشان	۳۷		۱۰۴	مخارستان
ساروقیه	۳۷		۸۸	طبرستان
بوسم ارمان	۳۷		۹۵	طبرستان
بلور	۳۷		۸۸	طبرستان مازندران
آستان	۳۷	۱۵	۸۹	طبرستان
خرمان	۳۷	۱۵	۸۹	طبرستان
قبادیان	۳۷	۱۵	۱۰۲	خرمان از اطراف
الموت	۳۷	۲۱	۸۵	گیلان
آمل	۳۷	۱۵	۸۸	طبرستان
سلاس	۳۷	۴۰	۷۹	آذربایجان
نوی	۳۷	۴۰	۷۹	آذربایجان

نوع اول از فصل ششم

اسامی بلاد	عضو بلاد		طول بلاد	ناحیه
	درجه	دقیقه		
اشغورقان	۲۷	۴۵	۹۶	ترکستان خراسان
میش بلخ	۳۷	۵۰	۸۲	ترکستان خراسان
تسریز	۳۸		۸۲	آذربایجان
بست	۳۸		۸۰	زابلستان
اردبیل	۳۸		۸۸	آذربایجان
سنان	۳۸		۸۹	آذربایجان
قذمار	۳۸		۸۸	افغان چین
بغداد	۳۸	۲۵	۸۰	عراق عرب
نصف	۳۹		۹۸	مادرا الهنر قرب سمرقند
سرخان	۳۹	۴۰	۸۱	اقصی آذربایجان
بادکوبه	۴۰	۳۰	۸۸	روسیه
کش	۴۰	۳۰	۸۰	خرمان
سمرقند	۴۰	۲۷	۹۹	ترکستان خراسان
درغان	۳۹	۴۰	۹۴	خوارزم
بیلقان	۳۹	۵۰	۵۳	ارمنیه گبری نزدیک

نوع اول از فصل ششم

استاد بلاد	عرض بلاد		طول بلاد		ناحیه
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
بخارا	۳۹	۵۰	۶۷	۳۵	ماوراءالنهر
فت	۴۰		۹۸		مجاور چین
اشروسنه	۴۰	۴۱	۸۳		ماوراءالنهر
برده	۴۱	۳۰	۸۸		ارمنیه روسیه
شامخی	۴۱	۵۰	۸۵	۳۰	روسیه قرب ایران
آنی	۴۱		۷۹		ارمنیه
هزار سب	۴۱		۹۵		خوارزم
کاش	۴۱		۹۵		خوارزم
چکوه	۴۱	۲۰	۸۳		ارمنیه روسیه
شکوره	۴۱	۵۰	۸۳		ارمنیه روسیه
خجنده	۴۱	۵۱	۹۷	۳۵	ماوراءالنهر
اوزکنه	۴۲		۸۲	۵۰	ماوراءالنهر
شاش	۴۲		۸۹		ماوراءالنهر
کراخ	۴۲	۱۲	۹۵	۳۰	خوارزم
جنگ تضر فا	۴۲	۲۵	۸۱	۲۰	ماوراءالنهر

نوع اول از فصل ششم

استاد بلاد	عرض بلاد		طول بلاد		ناحیه
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
نوزکاش	۴۲	۳۰	۹۳	۲۵	خوارزم
طراز	۴۲	۲۱	۹۵	۵۰	ماوراءالنهر
اسفنجاب	۴۲	۳۶	۹۸	۵۰	ماوراءالنهر
سقیس	۴۳		۸۶	۳۰	روسیه
تون کت ایلیان	۴۳		۹۰		ماوراءالنهر
توکت نیش	۴۳		۸۱		ماوراءالنهر
اوش	۴۳	۱۰	۸۲	۲۰	ماوراءالنهر
آلمایغ	۴۴		۸۲	۳۰	ترکستان
قبایغ	۴۴		۸۸		ترکستان
اوشکلوران	۴۶		۸۳		ترکستان
خان بالغ	۴۶		۸۴		ترکستان
قراشام	۴۶		۹۵		ترکستان
بیش بالغ	۴۷	۵۰	۸۲		ترکستان
تقیس	۴۸		۹۸		ارمنیه روسیه
درینه	۴۸		۸۵		روسیه

نوع اول از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	ناحیه
	درجه	دقیقه		
کاشغ	۴۱		۸۷	ترکستان ماوراءالنهر
ختن	۴۱		۸۷	ترکستان ماوراءالنهر

نوع دوم از فصل ششم بلادیکه طول و عرض آنها ناقص از طول و عرض که میباشد و آنها بدین قرار است و معلوم است که این بلاد با این نقطه جنوب و غرب که واقع شده اند

نوع سوم از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	ناحیه
	درجه	دقیقه		
بخرمی	۹		۶۵	دارالبلک جنبه سوزان
مدن	۱۱		۷۶	بین
دروچه	۱۴		۶۵	بربرستان
زبید	۱۴	۱۰	۷۴	بین
دمقده	۱۴	۳۰	۵۳	نوبه
ضنار	۱۴	۳۰	۷۷	بین

فصل ششم

نوع چهارم از فصل ششم بلادیکه طول از زانده از کمه و عرض ناقص و هما با این نقطه شرق و جنوب که واقع بجهت قلت عرض این خط در نهایت قلیل است مثل بلاد ذیل :

نوع اول از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	ناحیه
	درجه	دقیقه		
سندیب	۱۰		۸۴	هندستان
سومنات	۲۰		۸۲	هندستان
طالب	۲۱	۲۰	۷۷	حجاز

نوع پنجم از فصل ششم بلادیکه عرض از زانده و طول ناقص از کمه و هما در این نقطه شمال و غرب که واقع شده و قبل از آنها نقطه شمالی بنقطه شرق منحرف میباشد بدین قرار است

نوع دوم از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	ناحیه
	درجه	دقیقه		
یماره	۲۳		۵۲	بحرین
دینه سوزده	۲۵		۷۵	یثرب

جنوب

نوع چهارم از فصل ششم

استابلاد	مغز بلاد		ناحیه
	درب	دقیقه	
قوس	۲۵	۷۲	صید مصر
صورشام	۲۵	۶۹	سوریه
دشن	۲۵	۶۰	سوریه
تاهرت علیا	۲۹	۳۵	من بلاد مغرب
تاهرت سفلی	۲۶	۳۶	من بلاد مغرب
قلزم مصر	۲۶	۶۴	صید مصر
مصر	۳۰	۶۵	مصر
طیبه	۳۰	۷۰	روم
اسکندریه	۳۱	۶۲	اسکندریه
دیاط مصر	۳۱	۶۳	صید مصر
بعلبانه	۳۱	۳۷	سودان
سوس انصی	۳۱	۱۷	مغرب
طریه	۳۲	۵۱	سوریه
قیاریه	۳۲	۶۷	فلسطين ساحل بحر شام
مهدیه	۳۲	۴۲	من بلاد مغرب

نوع چهارم از فصل ششم

استابلاد	مغز بلاد		ناحیه
	درب	دقیقه	
صنای دشن	۲۲	۵۸	سوریه
رط	۲۲	۱۰	سوریه
بعلبک	۲۲	۶۰	سوریه
غانه	۲۲	۶۰	سوریه
علیت	۲۲	۷۲	شامات
قبردان	۲۵	۴۱	من بلاد مغرب
بیت المقدس	۲۵	۶۵	سوریه شام
طرابلس مغرب	۲۵	۴۵	مغرب
طرابلس شام	۲۵	۶۹	سوریه
حسکان	۲۵	۶۶	سوریه از مغرب شام
حصص	۲۵	۶۰	سوریه
قرطبه دارالملک اندلس	۲۵	۴۱	اندلس
سرمین	۲۵	۶۱	من اطراف حلب
انطاکیه	۲۵	۶۱	سوریه
قنسرین	۲۶	۶۲	من اطراف حلب

نوع چهارم از فضیل ششم

انامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
ناحیه				
راس العین	۳۶		۷۴	
مالقه	۳۶		۷۳	۱۵
سبخار	۳۶		۷۶	
سرخ	۳۶		۷۲	۱۵
حرلان	۳۶		۷۳	
سقیه	۳۶		۶۹	۱۵
طرسوس	۳۷		۶۹	
سینله	۳۷		۶۵	
نصیبین	۳۷		۷۵	۲۰
قرقیا	۳۷		۷۲	۴۰
ماردین	۳۷		۷۴	
آقینا	۳۷		۶۵	۴۰
اردن الروم	۳۸		۷۷	
ارزکنان	۳۸		۷۶	
ارجیش	۳۸		۷۷	

نوع چهارم از فضیل ششم

انامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد	
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه
ناحیه				
سناجرد	۳۸		۷۵	
قالبلا	۳۹		۷۳	۲۵
قونیه	۳۹		۶۵	
مشاط	۴۰		۷۲	۳۵
ماقدونیه	۴۱		۶۰	
روبره کبری	۴۱		۷۵	
عموریه	۴۳		۶۴	
قسططنیه	۴۸		۶۰	

و باید دانست بلا حظه اختلافات واضح در خصوص طول و عرض بلاد بمنا
 ارباب فن علم مجازا ذکریه بک طن بر آن غیر ممکن بلی اطمینان بجهت قبله
 حاصل میباشد و اگر استقبال جهت را نسبت با آن بلاد کافی دانیم از
 اغلب محذورات استخراج میباشیم و اینکه میگویند انحراف سیر در بلاد
 بعیده بلکه فریب بوجبه انحراف کثیر از نفس کعبه بلکه بلد که میشود خالی از
 اشکال میباشد و اما بنا باعتبار مجازا ذکریه کعبه حتی نسبت با عالمی
 ساز بلاد در صورت امکان علم یا فن مجازا ذکریه کعبه انحراف سیر هم

فصل هفتم

محققا غیر جائز میباشد و از آنجا نیکو با مجرد علم بمقدار تفاضل طولی و
 عرضی مابین کوه و سایر بلاد مقدار انحراف معلوم نمی شد ^{فقط}
 از باب فن دائرة هندیه را بجهت تعیین مقدار انحراف تصدیق و
 تصویب نموده اند

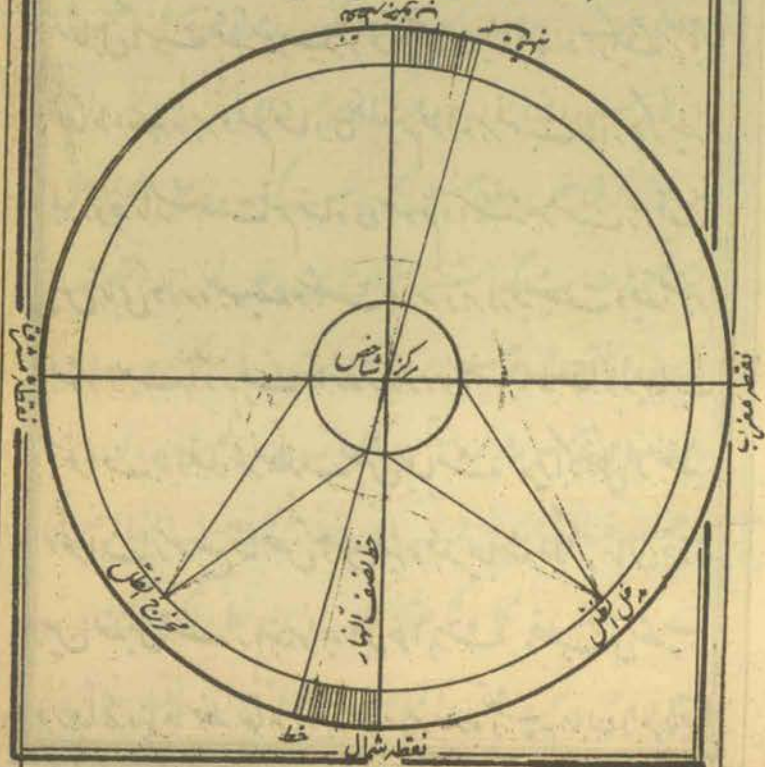
فصل نهم در بیان دائرة هندیه و استخراج ظهر و قبله
 بلاد از مزبوره با انضباط مقدار و جهت انحراف بلد مطلوب بدینکه
 دائرة هندیه عبارت است از ایستادگی در روی زمین مسلح باطله از
 اول تا رسم دائرة نموده و در مرکز آن عمودی بمقدار ربع قطر دائرة
 در طول که شاخص و تقیاس کوبند نصب کرده و بدخل و مخرج ظل
 شاخص علامت گذاشته و قوس مابین مدخل و مخرج را تقصیف
 نموده و از تقصیف قوس مزبور خطی کشیده و از مرکز فرود داده تا
 بنقطه مقابل قوس مزبور ^{است} با نظر طرف دائرة رسیده که دائرة را
 به قسم مساوی قسمت نموده و این خط را خط نصف النهار جزئی
 و نجومی نامینند کما اینکه نقطه آسمان این خط را که در آخر دائرة
 مابین مدخل و مخرج ظل واقع شده نقطه شمال و نقطه مقابل از

فصل هفتم

این خط مرسوم را نقطه جنوب مینامند و قسما سایه شاخص بانتهای رسید
 و از خط نصف النهار مایل بجانب شرق شد اول وقت ظهر ^{است}
 بلد میباشد و بعد از این خط عمودی از موضع شاخص بر خط نصف
 النهار در ردی و از آن نصب کرده و این دو خط دائرة را بچهار قسم
 مساوی تقسیم نمایند و نقطه آخر خط ثانی را که با دائرة تلاقی میکند از
 طرف طلوع آفتاب نقطه شرق جزئی و نجومی مینامند و دیگری را که
 مقابل آنست نقطه مغرب جزئی و نجومی مینامند و هر یک از این
 نقاط از ربع را بنود قسم مساوی تقسیم نموده هر قسمت را درجه گویند و
 هر درجه را بشصت قسم مساوی تقسیم داشته هر قسمت را دقیقه نامند
 پس تمامی دائرة بسصد و شصت درجه و هر درجه بشصت دقیقه تقسیم
 میشود و بعد از ترتیب دائرة مزبوره و انضباط مقدار و جهات
 انحراف بلاد قبله بلد مطلوب معین میباشد زیرا که خطی که بنقطه
 انحراف از موضع شاخص وصل میشود قبله میباشد و اگر همان خط را
 بین القوس ^{است} در هر دو وجه قبله خواهد شد و قطب نمای منصوب
 در دائرة با ملاحظه نقاط اربعه معلومه مزبوره و تقسیم همان دائرة و

فصل هفتم

مرزوره و تعیین مقدار درجات انحراف ارضه تعیین قبله بلد را مستورا
 نمود لکن تقریباً و تحقیقا زیرا که از قرار یک بعضی ارباب فن ذکر نموده نصف
 النهار نجومی با نصف النهار متناطسی اندک اختلافی دارد یعنی عقرب جنوبی
 قطب نما چهار درجه تقسیم یا از جنوب نجومی بجانب شرق مایل است
 پس بعد از تشخیص جنوب با قطب نما باید چهار درجه بجانب مغرب مایل
 شد تا جنوب نجومی مطابق حاصل از ظل شخص معلوم آید *



فصل هشتم

(۲۵)

فصل هشتم در بیان استخراج قبله با دایره مهندسیه

باجل مقدار انحراف قبله بلد مطلوب با فرض معرفت طول و عرض بلد
 مرزوره بد آن نسبت بلد مطلوب با که منقطه طولاً و عرضاً و بادی نظراً
 از اقسام چهارگانه نیست قسم اول توافق بلد مطلوب و که عرضاً و
 طولاً قسم ثانی توافق بلد مطلوب با که عرضاً با مخالف در طول قسم
 ثالث توافق بلد مطلوب با که طولاً با مخالف در عرض قسم رابع
 مخالف بلد مطلوب با که طولاً و عرضاً اما قسم اول عقلاً غیر ممکن
 میباشد زیرا که دو نقطه در سمت واحد از دو خط یکی ممتد بخراست
 خالدهات و دیگری ممتد بخط استواء ممکن نیست با هم دیگری طولاً
 و عرضاً را وی باشند و اما قسم ثانی اگر بلد مطلوب طولاً زائد از
 که باشد قبله آن نقطه مغرب خواهد شد کما اینکه اگر ناقص باشد
 قبله آن نقطه مشرق میباشد بنا بر مختار که میزان در طول بلاد جزایر
 غربیه است نه شرقیه و اما قسم ثالث اگر بلد مطلوب زائد باشد
 عرضاً از که سمت نقطه جنوب قبله بلد مطلوب میباشد و الا نقطه
 شمال و اما قسم رابع اگر بلد مطلوب زائد باشد از که طولاً و عرضاً

فصل هشتم

پس تفاوت باین طول که دبلد را بحسب درجات و دقائق ملاحظه و
مقدار مابہ التفاوت را از نقطه جنوب دائره ہندیہ تا سمت مغرب
حساب کرده بہر جا کہ رسید علامت گذاشتہ و کذ لک از نقطہ
شمال دائره ہندیہ تا سمت مغرب همان مابہ التفاوت را ملاحظہ نمودہ
و حساب کرده بہر جا کہ رسید علامت گذارد و بعد از این آن دو
علامت را با خط مستقیم ہم بگیری وصل نماید و این خط را خط نصف
النهار کہ مینامند و بعد ذلک تفاوت باین عرض کہ عرض
بلد مطلوب را ملاحظہ نمودہ و مابہ التفاوت بین العرضین را از نقطہ
شرق دائره ہندیہ حساب کرده تا سمت جنوب دائره بہر جا
کہ رسید علامت گذارد و کذ لک از نقطہ مغرب دائره مزبورہ
تا سمت جنوب آن مابہ التفاوت را ملاحظہ نمودہ و بہر جا کہ رسید
علامت گذارد و بعد ذلک این دو علامت را با خط مستقیم
ہم وصل نماید و این خط را خط شرق و مغرب کہ مینامند و
لا محالہ این خط با خط سابق در یک موضع تقاطع نماید و موضع
تقاطع را محل کہ قسار رسیدہ و از مرکز دائره مزبورہ خط مستقیم

فصل ہشتم

(۴۷) اخراج نمودہ محل کہ محیط دائره بہر سمت و این خط را خط سمت قبلہ
و آنا اگر طول و عرض کہ زانہ از طول و عرض بلد مطلوب باشد پس
مابہ التفاوت بین القولین را ملاحظہ و حساب کردہ از نقطہ جنوب دائره
ہندیہ همان سمت را بہ سمت شرق رسانیدہ و بہر جا کہ رسید علامت
گذارد و کذ لک از نقطہ شمال تا سمت شرق همان مقدار را ملاحظہ
نمودہ بہر جا کہ رسید علامت گذاشتہ و علامتین را با خط مستقیم
ہم وصل نماید و این خط را خط نصف النهار کہ قرار بدہد و بعد ذلک
مابہ التفاوت عرضین را حساب نمودہ و همان مقدار را از نقطہ شرق
دائره مزبورہ تا سمت شمال آن ملاحظہ کردہ بہر جا کہ رسید علامت
گذارد و کذ لک از نقطہ مغرب تا سمت شمال ملاحظہ مابہ التفاوت
کردہ بہر جا کہ رسید علامت گذارد و بعد از آن این دو علامت را
با خط مستقیم ہم وصل نمودہ و این خط را خط شرق و مغرب کہ قرا
و ہر دو لا محالہ این خط با خط سابق در یک موضع تقاطع نماید و موضع
تقاطع خطین را محل کہ قسار دادہ پس از آن از مرکز دائره مزبورہ
خط مستقیم اخراج نمودہ تا محل تقاطع و محیط دائره و این خط را خط

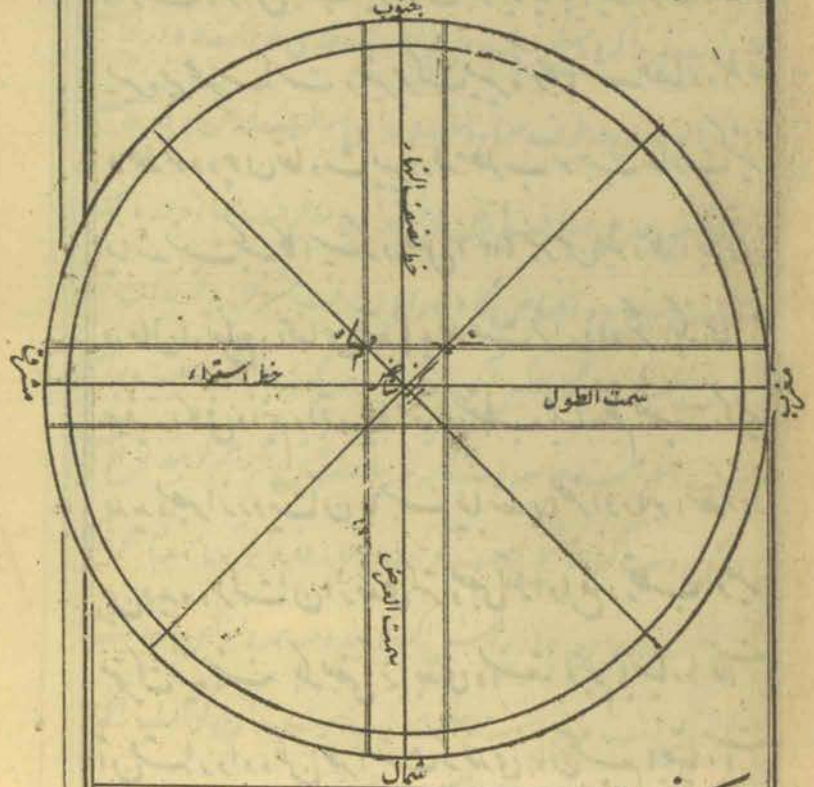
فصل هشتم

سمت قبله بقدر رسیدن و بیاباره اغری اگر این خط را بین القدین
 و محل سجده خود قرار دهد مواجه کعبه خواهد شد و توضیح این با رسم
 دایره هندیه بقرار است لکن در قسم رابع که طول و عرض بلد معلوم
 باشد مخالف باشد اعمال این قاعده در صورت بودن آفتاب در
 هشتم جزو ایاد درجه بیت و نیم سرطان اقرب تخمین می باشد و اگر
 این عمل را در کره جسی که یکی از ضی و دیگری سماوی که حوس سماوی
 موافق عقیده کرده ارضی باشد بقرار یک فاضل قسره و بی در قبله الافاق
 مذکور داشته تحصیل مقدار انحراف و قبله بلد در نهایت سهل می باشد
 لکن این امر بر کس در همه اوقات ممکن نخواهد شد بخلاف دایره
 هندیه که با اغلب اشخاص ممکن و مقصد هم دانی می باشد و با استخراج
 قبا با همین دایره اشاره فرموده سید در منظومه خود حیث قال
 و تعلم القبسه فی بحر و بر + فی غیر سطریشی سطر و اند

(۴۸)

فصل نهم

تصویری از آثره هندیه که



فصل نهم

در بیان جدی و طریق معرفت آن که از جمله
 امارات نمین قبله می باشد بد آنکه جدی با فتح جیم سکون دال بود
 لکن همچنین سیمه تمیز آن از جیم می که یکی از بروج و دوازده گانه است
 باضم جیم و فتح دال و تشدید یا بروزن سستی خوانده اند

فصل نهم

و آن نجم بسیار دور حول قطب شمالی مدال النهار واقع است
و از ششۀ قریب قطب غیر متحرک نظر میآید با اینکه متحرک با حرکت
یسیره غیر محسوس است و حیرت میرزا آنرا با شبهه عضاده اطرا
ملاحظه نموده چون تفاوت یسر در بلد مطلوب موجب تفاوت کثیر
یباشد نسبت بکجه کما اینکه در فصل (۱۴) مبرهن میشود و فلذا جدی را
در حال ارتفاع و انحنای نقطه باید علامت قرار داد مگر اینکه محاذ آن
عرضیه را کافی دانیم و اقرب از جدی قطب یک نجم خفیه که غیر
حدید البصر از رویت آن عاجز نباشد و احترام را بر ابو اسطر دور
بین دیده و حرکت آن از جدی کمتر و بعضی آنرا واقع در قطب و غیر
متحرک میدانند بلکه بعضی آنرا جدی دانسته و نجم با ضیاء را علامت
آن قرار داده لکن اظهر آنست که جدی همان نجم با ضیاء است
که بابل تردد بصر و تعیین قبله سبب هدایت است فلکیف کان آن نجم
با ضیاء در مقطع و طرف ذنب است جامد بهمت کوکب که بنات
نفس صغریه و یادیت صغریه خوانند واقع است و چهار کوکب از
بهمت کوکب نزبور که وضع مربع دارد نفس صغریه گویند و از آن چهار

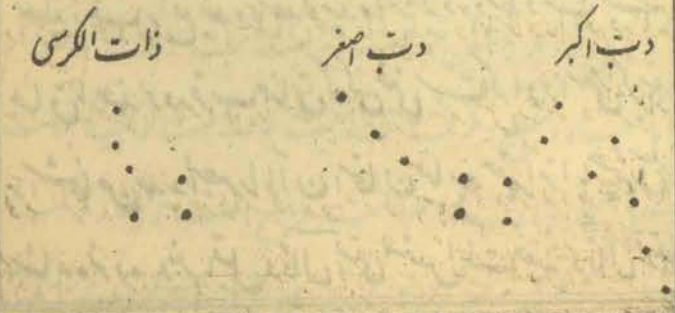
(۵۰)

فصل نهم

دو کوکب بسیار که در اول واقع شده فردان گویند و سه کوکب
از آن بهمت کوکب که بشکل ذنب واقع شده بنات صغریه نامند و آن
کوکب نیز را که در مقطع ذنب واقع است جدی خوانند و در ریاست
ارتفاع جدی در طرف سما و سه قدان در طرف ارض و در ریاست
انخفاض جدی در طرف ارض و فردان در طرف سما و در مابین
حالت ارتفاع و انخفاض گاه جدی در طرف مشرق و فردان در
طرف مغرب و گاه بعکس آن میباشد و در یک طرف بهمت جامد
دب صغریه است جامد دب اکبر که بنات نفس اکبر هم گویند واقع است
و آن دب اکبر هم مثل بهمت کوکب چهار عدد و از آن مربع الوضع
و با ضیاء و این چهار را نفس اکبر گویند و سه عدد از این کوکب سیم
که بشکل ذنب واقع است بنات اکبر نامند و آن کوکب را که در
مقطع ذنب واقع شده قاعده گویند و آنرا که در وسط ذنب است
عناق نامند و در قریب عناق کوکبی خفی است که او را استی گویند
و اشخاص حدید البصر را با آن امتحان نمایند حقیق آنرا با چشم مست
مشاهده نموده و نم بایقل و قال استی الشمس است خفیه و قال آدی

(۵۱)

لنور لوگت حاصل و سه قدان همه اوقات با دو ذنب است اگر که عا
 و ما قبل آن که چون بیامد مجازی بیاید و کین کان در یک
 طرف دت صفر سبت جامد دت اگر واقع شده و در طرف اخر آن
 سبت جامعه ذات الکرسی که عدد آن سیزده و مثل شش کوکب
 با ضیاء است واقع گشته و کوکب نیز از آن شش کوکب که بر
 کرسی سه اریافته گفت الخنصب در جهت ارض نامند گاهی دت
 الکرسی در جهت سماء و دت اگر در جهت ارض و گاهی بعکس آن و گاهی
 ذات الکرسی در جهت شرق و دت اگر در جهت غرب گاهی بعکس میاید
 و در جمع احوال بزوره دت صفر در میان سبت جامعه ذات الکرسی و دت
 اگر وقت بعد از حاطه با وضع این سه سبت جامعه معرفت جدی در جمع
 فضول و اوقات شب بسلیا و تصویر این سبت جامعه بدین قرار است



فصل دهم در بیان کیفیت علامت بودن جدی نسبت
 بابل عالم از آنجا نیکه با اختلاف کند بلاد کیفیت علامتی جدی اختلاف
 پیدا اینست باید انبالت که بعضی اماکن را با کیفیت علامتی جدی
 در آن بالاستقلال عنوان نموده و ناما بقی بالمعانی معلوم شود بد آنکه بلاد
 و اماکنی که در شمال کعبه واقع و قبله آنها موافق قطب جنوبی و عرض آنها
 زائد از عرض مکه و طول آنها با طول مکه مساوی باشد ولو تقریباً مثل
 موصل و اربیل و ارزن رود و ابریش عانه و ما و اینها پس جدی را
 اگر باین دو وقت خود قرار دهد استقبال کعبه حاصل آید و اما
 بلاد و اماکنی که در جنوب مکه واقع و قبله آنها موافق قطب شمالی و طول
 آنها موافق با طول مکه و عرض آنها ناقص از عرض مکه باشد مثل صنعای
 یمن و عدن دار الملک یمن و طایفت ما و اینها پس جدی را اگر باین
 دو چشم خود قرار دهد استقبال کعبه حاصل آید و اما بلاد واقعه در جنوب
 غرب که قبله آنها موافق با نقطه مشرق میباشند مثل دمشق و اکثر بلاد
 نوبه اگر امانی آنها جدی را مجازی روی چپ خود قرار دهد استقبال
 کعبه حاصل میباشند و اما اماکن و بلاد واقعه در ناحیه مشرق که قبله آنها

فصل هفتم

موافق نقطه غرب می باشد مثل نخلواره و غیره از بلاد هند پس مایل آنها اگر
جدی را بر مقابل روی راست خود قرار دهند محاذ آن کعبه حاصل میگردد
و اما در اماکن و بلاد واقعه در مابین نقطه شمال و نقطه شرق که بالنسبه ببلاد
واقعه در قرب نقطه شمال مثل اوساط عراق از بغداد و کوفه و نجف و مثل
آذربایجان و شمال آنها پس جدی را از مابین کتین خود منحرف نموده
بجانب اول پشت شانه راست خود در نقاط شرقیه عراق و ایقارها
مثل بصره و اصفهان و کاشان و قم و ری و استرآباد و سمنان و دامغان
جدی را بر وسط پشت شانه راست خود قرار میدهند و در زانده از
این مقدار با همین ترتیب انحراف را زیاده نمایند با اختلاف بلاد و اماکن
تا در نقطه مقابل روی راست خود قرار میدهند و اما در بلاد واقعه مابین
نقطه شمال و نقطه غرب که بالنسبه ببلاد واقعه در قرب نقطه شمال
پس جدی را از مابین دو کتف خود مایل نمایند بجانب اول پشت
شانه چپ خود مثل انطاکیه و حلب و ارزنگان و روجه و سرین
و ملطیه و سیواس و نصیبین و کربیت و تمس و قرقیاد و دیار بکر و سنجار
و بعد ذلک هر قدر از نقطه شمال زانده از این مقدار دور شده و نقطه

فصل هشتم

غرب نزدیک باشد با ترتیب سابق در انحراف عمل نمایند تا در نقطه
غرب جدی مقابل روی چپ واقع می باشد و اما در بلاد واقعه در
مابین نقطه مغرب و نقطه جنوب پس با اختلاف مراتب انحراف بلاد
جدی را از مقابل روی چپ مایل نمایند تا در نقطه جنوب در مقابل
مابین دو چشم خود قرار میدهند و اما در اماکن واقعه در مابین نقطه جنوب و
شرق پس با ملاحظه مقدار انحراف اماکن بلاد جدی را از مابین دو
چشم خود منحرف میسازند تا در نقطه شرق مقابل روی راست واقع
می باشد از آنجا که مابین خط استوا و نقطه جنوب چندان از بلاد معموره
واقع نشده جدی در همین آخرین نفع بخش نخواهد شد و بعد از اندک
تر روی و تجربه با اعمال همین اماره تمامی مطالب مزبوره از بدیهیات
اولیه می باشد و فاضل زراقی قدس سره در دستند تفصیلاً بتقریب فرمود
تصریح فرموده اند و نعم ما قال السید فی منظومه و يعرف البعد
سمت القبلة من العلامات التي يعقلها فاجد فی منها وهو
اعلی ایه حنا و بالایة والروایة الی ان قال و فی سهیل یخرج
العلة عکس السجدة فی بیان القبلة

فصل بازدهم در تشخیص قبله بلد مطلوب با شرق و مغرب کما اینکه
 بعضی اعلام مذکور نموده اند و ممکن است استفاده این مطلب از خبر شریف
 که در فصل اول از سماعه مذکور شد قال سئنة من الصلوة باللیل والنهار
 اذا لم تر الشمس ولا القمر ولا النجوم قال اجتهد را بیک و تمه قبله جسدک
 و ممکن است استفاده علم قبله از خود آفتاب در وقت ظهر در بلادیکه
 طولاً با که متوافق باشد که نصف النهارین بر رویکی باشد بشرط اینکه بلده
 مطلوب در خارج منطقه و در تر از میل کلی واقع شود پس در صورت
 مغروضه در وقت ظهر اگر بجستی قائم شود که آفتاب از مابین دو چشم او
 رد شود همان جهت قبله خواهد شد و باین مطلب اشاره نموده سید
 بحر العلوم علی الله مقامه در منظومه خود الشمس للشرق اذ تزول
 بیلهما عن افق دلیس و تقریب اماره بودن شرق و غرب بشرح
 ذیل عالی از وجوبت بدانکه بلاد واقع در شمال که در صورت توافق
 در طول اگر انالی آنها مشرق را در یار و مغرب را در بین خود قرار دند
 قرا مو اچه جهت کعبه میباشند کما اینکه در بلاد واقع در جنوب که در صورت
 توافق در طول اگر مشرق را بین و مغرب را بیار خود قرار دند باز

مواجه سمت قبله میباشند و در بلاد واقع در غرب که با توافق در عرض اگر نقطه
 مشرق را باین دو چشم خود قرار دهد و کند لکت در بلاد واقع در شرق که با
 توافق در عرض مغرب را باین دو چشم خود قرار دهد باز مواجه سمت قبله میباشند
 و در بلاد واقع در مابین نقاط اربعه با ملاحظه مقدار انحراف بلد مطلوب اگر
 خود را منحرف نماید نظیر آنچه در جلدی مذکور گردید باز میتواند تحصیل علم باطن
 بقبله نماید لکن بعد از التفات بر اینکه مابین شرق و مغرب در ظرف
 سال تقاضا چهل و پنج درجه با ملاحظه میل کلی شمالی و جنوبی اختلاف حاصل
 میباشند معلوم میشود که از مراتب مزبوره زیاده از علم بحجه یا ظن بر آن
 چیزی حاصل نخواهد شد علی شخص عارف بدرجات مطالع و منار ب
 یومیة و مقدار انحراف بلد و تطبیق در عمل و عدم غفلت میتواند مواجه نفس
 نفس کعبه را از شرق و غرب آفتاب تحصیل نماید کما اینکه اگر این ترقیب با
 در شرق و مغرب اعتدالین معمول دارد اوافق بمقصود میباشند و لغت
 اجماع السید فی منظومه حیث قال و یجمل المغرب لدی اعتدال -
 عن امین و الشرق عن شمال فی فصلی و از دهم در تشخیص
 قبله با اوضاع قرآنی کما اینکه از خبر سماعه مزبور میتوان اماره بودن آن

استفاده نمود بد آنکه حضرات اعلام علامتی از ابدین ترتیب مذکور
 نموده اند اگر شخصی ماه رجب نهم از هر ماه باشد در وقت غروب آفتاب
 و یا در شب چهاردهم هر ماه در وقت انقضا یل و یا در شب بیست و یکم
 هر ماه در وقت فجر بایستد و چشم خود قرار دهد و نواجر قبله میباشد
 و باید دانست که این تقریب در بلادیست که با کله در طول متوافق و
 عرض از یس کلی دورتر باشد و اگر شخص عارف با وضاع نجوم باشد ممکن
 بعد از احاطه بمقدار طول و عرض و ارتفاع و انحنای مسائر حالات آنها
 و معرفت موقع بلد از هر یک از نجوم استفاده علم یاطن بقبله نماید
 و فصل سیزدهم در تشخیص قبله با قبول مسلمین در محاریب موضوعه و
 معموله ایشان در مساجد و مشاهد و سهرای و طرق مسلوکه و یا با ضرائح
 مقدمه بدانکه در این باب نصی در کتاب و سنت وارد نشده گرچه
 کلمات بعضی اعلام در یک اندازه ظاهر بلکه صریح در اعتبار آنهاست
 ممکن است نظراین بعضی بسیره معموله بین المسلمین باشد لکن آنچه بعد از ترویج
 و جمع کلمات اعلام و قواعد معلومه بنظر میرسد کما اینکه بعضی ارباب
 تحقیق هم ملتفت شده امور مزبوره با موضوعیت ^{ندارد} بلکه اعتبار آنها

و امر دار علم یاطن بر طبق آید و در حصول ظن اعتماد بر آنما سهل بلکه
 غیر جائز میباشد و توهم تصحیح اعتماد و تسهیل امر با اجراء قاعده حل فصل مسلم بر
 صحیح خالی از وجه میباشد زیرا که حل فصل مسلم بر صحت در امور اجتماعیه
 غیر جاری میباشد و لذا تعویل بقبله شخص واحد را حضرات علماء کافی نمی
 دانند کما اینکه شیخ جوهر قدس سسته تصریح باین فرموده و از آنجا نیکه
 وضع امور مزبوره غالباً با تساهل یا اجتهاد ظنی شده اختلافات کثیره
 در محاریب ضرائح بلاد متحدة القبلا و القریة مثل عراق واقع گشته
 مثل محراب مسجد کوفه نسبت مسجد سمله و نجف الأشرف و ضریح عسکین
 علیهما السلام نسبت بضرایح مقدسه نجف و کربلا و کاظمین علیهما السلام
 و مثل محراب مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله نسبت بمحراب مسجد
 شجره و محراب بعضی مساجد واقعه در مدینه و قرب آن کما اینکه صاحب
 معاصم و غیره تصریح بر این نموده و فرموده اند که ضرایح مقدسه نجف کربلا
 و کاظمین علیهما السلام اقرب بقواعد واقع گشته و اما ضریح مقدس
 عسکین علیهما السلام از بسیار نصف آنها تقریباً بیست درجه منحرف
 واقع شده و محراب مسجد سمله قریب بقواعد و اما محاریب مسجد

کوفه ازین نصف النهار تقریباً چهل درجه واقع گشته و محراب مسجد نجره و غیره
 از بعضی مساجد قریب مدینه مطابق قواعد و آثار محراب حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله مطابق خط نصف النهار واقع گشته و حال آنکه قبله مدینه سی هفت
 درجه از جنوب سمت مشرق منحرف میباشد و صاحب جواهر قدس نیز
 از بعضی ارباب فن نقل نموده که مسجد دمشق و مرو بخلاف قواعد واقع شده
 و در هر دو امر بر تیسرا از بعضی اعلام مذکور داشته اجمالاً بعد از اطلاع
 بر اینکه اغلب مساجد در زمان عدم بطید رؤسای حقه نباشد و یا اینکه بعداً
 در زمان سلاطین جور تجدید وضع شده باضم مسامحه با شرین از شمار غیره
 بجز در امور زبوره علم یا ظن بر طباق حاصل نخواهد شد بلی اگر از قراین
 خارجی علم یا ظن بر طباق حاصل البته امور زبوره مناط اعتبار خواهد
 شد و ممکن است با ملاحظه امور خارجی قابل ظن حاصل آید اتحق شخصیکه
 جهت کعبه را در استقبال کافی میدانند از بدایه در این امور استرجح میباشد
فصل چهارم در بیان استجابات تیسر قبیل نسبت بابل
 عراق و بیان اشکال سرهف بر آن بد آنکه مشهور است میان اعلام استجاب
 تیسر قبیل است بابل عراق و مذکور این حکم دو خبر شریف است

یکی خبر فضل بن عمر سلت با عبد الله عن التحریف لاصحابنا ذات
 الیسار عن القبلة و من السبب فیها قال ان الحجر الأسود لما انزل بر من الجنة
 و وضع فی موضعه جعل نصاباً محرم من حیث یحتمل ان نور نور الحجر فی من
 ین الکتبه اربعة امیال و من یساره ثمانیه امیال کله اثنا عشر مثلاً فاذا
 انحرف الانسان ذات الیسار لم یکن خارجاً عن حد القبلة و دیگر
 روایات از انحراف ذات الیسار لم یکن خارجاً عن حد القبلة و دیگر
 مرفوع علی بن محمد قیل لأبی عبد الله لم صار الرجل یخرف فی تهلوة
 الی الیسار فقال لأن للکعبه سته حدود و اربعة منها علی یسارک و انما
 سنا علی عینک فمن اجل ذلك وقع التحریف الی الیسار و تحقیق طوسی
 بحقیق علی در این باب ایراد نموده تقریری که حاصل آن اینست حکم باستجاب
 انحراف هر چند قبیل باشد یا مستلزم حکم باستجاب واجب اگر مواجهه
 حرم قبل از انحراف بعمل نیامده و موقوف بانحراف بوده باشد یا مستلزم
 حکم حرام که عبارت از خروج مواجهه حرم باشد بر تقدیر حصول مواجهه
 حرم قبل از انحراف و توضیح همین اشکال بقاریکه رضی الدین فروزینی
 قدس سره در قبلة الأفاق ذکر فرموده بدین تقریب است اگر فرض

فصل چهارم

گنیم که توجیه مصلی در کوفه مثلاً که اقرب بلاد عراق است بلکه مظهر بر بنای
قدیمین حرم باشد و بقدر یک صبح که اقل از آن قدر محسوس ندارد منحرف
شود بجانب یاربین تفاوت در امتداد باین مقام مصلی و سجده که تخمیناً
دو ذراع است مسلم آنست که در امتداد چهل و هشت ذراع بیت چهار
اصبع شود که یک ذراع است باین نسبت در چهل و هشت فرسخ یک
فرسخ میزند پس از کوفه تا حرم که تخمیناً دو بیت و چهل فرسخ است قریب
به پنج فرسخ می شود و این زیاده از قدر طول حرم است و در سایر بلاد
عراق فاحش می شود لکن صاحب جواهر قدس سره در قول باستجاب
در رفع اشکال اصرار اکید دارد و حل اشکال را بدین نحو تقریر فرموده
که تیا سه از قبله قبله است و آن ادخل در حصول محاذاة است
کما اینکه از قبیل مذکور در خبرین شهر یعنی باین تقریب روشن می شود -
لکن انصافاً اگر شخص اندک تا می در تقریب نزبور قبله الا فاق نماید -
واضح می شود که با جواب صاحب جواهر قدس سره حل اشکال نمی شود و حق
بجته نطق باین امر موید سماوی بحر العلوم اعلی الله مقامه در منظومه خود
فرموده و ایل للیسار فی هذا الشتره و ساعد نقل علیه لا تنظر

فصل پانزدهم

بی اشخاصیکه استجاب را منع نموده اند بجهت نسبت ضعف بحرین مزبورین
مثل علامه در مفتی و سیند در مدارک و محقق سبزواری در ذخیره از این اشکال
آسوده میباشند لکن بعضی اعلام مثل صاحب معارج و مستداین و دو خیرا
بتقیه حمل نموده اند نه بلا حظه اینکه استجاب تیا سه در هر حال بوده بلکه بلام حظه
اینکه اغلب مساجد عراق در زمان سلاطین جور و ظلم فاریبین تاسینا یا
تجدید ا بنا شده و اظهار خطا ایشان محل خطر بوده فلذا امر به تیا سه نموده
و تقلیل فرموده اند بخوبی که همان تقلیل در نزد ایشان هم مرضی می باشد اگر
شخص ملاحظه وضع مسجد کوفه را که جامع اعظم می باشد نماید ممکن است این
توجیه را در حقیقت بشر در پس بنا بر این تیا سه در موارد مذکور و واجب می باشد
کما اینکه ظاهر کلام شیخ در خلاف نهاییه و صریح آن در مبوط حکم بود
تیا سه است پس بعد از اصرار از قبله حکم باستجاب تیا سه در نهایت اشکال
بی در قرب که در مواردیکه انحراف ادخل در محاذاة باشد حکم باستجاب
تیا سه محذوری ندارد کما اینکه فاضل قرظی این توجیه را از بعضی استادی
خود در این باب نقل نموده و الله اعلم

فصل پانزدهم در بیان وجه انحراف باب فن در تشخیص قبله با دانه

سندیه مذکور نموده اند که این عمل در وقت بودن آفتاب در درجه هشتم جوزا یا درجه بیست و نهم سرطان اقرب به تحقیق میباشد بدانکه توضیح و تقریب این مطلب محتاج به فهم امور عددیه است اول اینکه باید دانست در وقت بودن آفتاب در این دو درجه که هر دو از درجات شمالیه میباشند مساوی میباشد عرض آفتاب یعنی مقدار بعد آن از معدل النهار با عرضی که که عبارت میباشد از سمت یک درجه و چهل دقیقه پس در هر یک از این دو درجه ظل شاخص منصوب در آنکه در وقت نصف النهار که منعدم میباشد دوم اینکه باید فهمید در وقتی که وقت نصف النهار ظل شاخص منعدم شده در همان وقت در مواقع اخر که ظل شاخص آنها بارض منطبق میشود اگر از سمت همان افق منطبق خط مستقیم وصل بدائرة افق بشود لابد این خط از موقع شاخص منعدم لظل مرور خواهد نمود و این امر بعد از آنکه تا قبل از بدیهیات شمرده میشود پس در صورت بودن آفتاب در همان دو درجه در وقت نصف النهار که اگر در بلد مطلوب سمت ظل شاخص منصوب را قبله خود قرار دهد مواج کعبه خواهد شد سوم اینکه باید دانست هر یک از دو انزاعظام را بسید

صفت مساویه تقسیم نموده اند هر چه را چهار دقیقه و هر پانزده درجه را که شصت دقیقه میباشد یک ساعت فرض نموده اند پس بسید و شصت درجه عبارت میباشد از سمت چهار ساعت فلذا مقدار سیر آفتاب با حرکت قمریه که هر شبانه روز بسید و شصت درجه است عبارت میباشد از سمت چهار ساعت چهارم اینکه مقدار فاصله مابین نصف النهار که در بلد مطلوب از ملاحظه مابین تفاضل بین الطولین روشن میباشد پس اگر بلد مطلوب بفاصله پانزده درجه در غرب که واقع شود آنوقت حکم میانیم بر اینکه نصف النهار که یک ساعت قبل از نصف النهار بلد مطلوب میباشد و اگر بلد مطلوب بفاصله پانزده درجه در شرق که واقع شود نصف النهار که یک ساعت بعد از نصف النهار بلد مطلوب میباشد و بعد از احاطه با سوره زبور و واضح میشود اینکه در روز بودن آفتاب در درجه هشتم جوزا یا سمت و نهم سرطان اگر ظل شاخص بلد مطلوب را در وقت نصف النهار که علامت گذارد و سمت ظل شاخص را مابین قدم و مسجد خود قرار دهد قمر او را مواج کعبه خواهد شد فلذا این ترتیب را اهل فن اقرب به تحقیق شمرده اند ..

فصل شانزدهم

فصل شانزدهم در بیان مواقع اقلیم سبعة و بیان مقدار طول و عرض آنها با ذکر بعض بلاد واقعه در هر یک از آنها بدانکه نامی اقلیم سبعة در جانب شمال خط استواء واقع گشته و بعد طول هر یک از آنها از مغرب تا مشرق می باشد و از باب فن هر یک از اقلیم سبعة را از جهت طول با جزاء عشره تساویه تقسیم نموده و آنچه هر یک از اجزاء مزبوره بان مثل است از بلاد و جبال و بحار و انهار مشروخاوند کورنوده اند طالبین بحکت بموجب این فن مثل نزاهت اشتقاق علوی ادیسی و غیره رجوع نماید و در مقدمه این خلدون قسم قدری مشروح گشته و بعد عرض هر یک از اقلیم نسبت بخط استوار بدین قرار است اما سبده اقلیم اول در نزد بعضی از خط استوار است و در نزد جمهور سبده آن بعد از دو ازده درجه و چهل دقیقه از خط استوار است و در نزد فریقین آخر عرض اقلیم اول الی سبت درجه و سبت هفت دقیقه است و بلاد واقعه در این اقلیم بسیار است من جمله بعض بلاد بربر مثل خانه که معدن الذهب هم گویند و بعض بلاد نوبل مثل دمشق و بعض بلاد حبشه مثل حبش و بعض بلاد حجاز مثل معلا و حبران و صحار قصبه عمان و اکثر بلادین مثل زبید و عدن و

فصل شانزدهم

شماره و سبده و سببا و قطار و حدام و حضرموت و بعض بلاد هند مثل سرندیب و قطری و بعض بلاد صین مثل خاکو و غیره و در جزیره اول غرب این اقلیم چهار فتره از جزایر خالده است و در جزیره عاشران که جزیره شرقی است جزایر سیلان واقع گشته و جزیره سرندیب که مدوره اشکل است در جزیره سابع ششمی این اقلیم واقع است و اما سبده اقلیم ثانی بعد از سبت درجه و سبت هفت دقیقه گرفته تا سبت هفت درجه و نیم از خط استوار منق می شود و دو فتره از جزایر خالده است در غرب این اقلیم واقع و طرف شرق آن متصل به بحر محیط می باشد و از جمله بلاد واقعه در این اقلیم است که سبده و مدینه منوره و یمن و حده و غیره و طایف و قید و فوج و یامه و احصا و طلیف و بحرین و ققط و بیل و کران و منصوره سبده و سوسنات و ماهوره و نرزد و اکثر بلاد هند و سند و چین و عمان و سبده و افریقا و بعض بلاد بربر و قنوج و حیرت و نخلواره و احمد آباد و اسلام آباد و مرشد آباد و بنارس و کلکته و غیره و اما سبده اقلیم ثالث از آخر سبت و سبت درجه و نیم شروع نموده و در آخر می رسد درجه و سی و هفت دقیقه ختم می شود

فصل شانزدهم

در غرب این اقلیم جبل در آن معترض گشته و در شرق آن بلاد نهر حجل واقع شده و از بلاد واقعه این اقلیم است بلاد طنج و بعض بلاد بربر و ذبیح و سوس و قروان و طرابلس و اسکندریه و مصر و دیاس و مدین و بیت المقدس و طبریه و دمشق شام و کوفه و مدین و بغداد و واسط و قادیسیه و حیره و بابل که معروف بجله است و نهر و ان و قصر ابن ابی بسیر و فسطین و بعلبک و آکا و پرت سعید و صور و صیدا و قلزم و عسقلان و رطه و قصر احمد و فاس و ابواز و صفهان و فارس و یزد و بردسیر دینه کرمان و خمیس کرمان و سبحان و کج کرمان و بنت و زابل و مولتان سند و زرنج و زمایر و قشیر و دار الملک چین و حلوان و ابله و سیمه و غزنین و شتر و ذبلی و اکره و بندر عباس و لاهور و اندرعات و بیت و عسکر مکرم که معروف بر راه زمزم است و از آن جان معروف به بهمان و سیف البحر و ابرقو و گارزان و نوبند جان و فیروز آباد و شیراز و داراب جرد و طبس و فیروز کوه و کابل و قندهار و آما سید عرض اقلیم رابع از آخر سی و سه درجه و سی و

(بنت)

فصل شانزدهم

بنت دقیقه گرفته در سی و هشت درجه و پنجاه و چهار دقیقه ختم می شود جز اول آن در طرف غرب بحر محیط و جزیره خضراء و جزیره عاشره در طرف شرق متصل بحبل یا چونج و ناهوج و از بلاد واقعه در این اقلیم طرابلس و طرابلس شام و انطاکیه و حلب و طلیه و واده و نصیبین و موصل و ترمین رای و رضایه (درین) و مراغه و تبریز و خمی و اردبیل و نهاوند و شهرورد و زنجان و سلطانیه و همدان و قزوین و دیم و ساوه و قم و الموت و کرخ و آمل و طهران و کاشان و ساریه و سمنان و دامغان و سبزدار و نیشابور و طوس و تون و بطنام و جرجان و شهرستان و استرآباد و هرات و سرخس و مرو و فاریاب و غرجهستان و بلخ و ترمز و بدخشان و تبت و جبال کشیر و بعض بلاد ختا و صن و شمال بلاد صین و جیلان و طبرستان و بردعه و کاخا و کاسه و طبریه و طالقان و رباط امیر و کمریت و حص و کج و دیار کج و کرمانشاه و جوی بار و غیره و آما سید عرض اقلیم خامس از آخر سی و هشت درجه و پنجاه و چهار دقیقه گرفته در آخر چهل و سه

فصل شانزدهم

درجه و بیست و دو دقیقه ختم می شود و از جمله بلاد مشهوره این اقلیم است
خوارزم و بخارا و کاشغر و سمرقند و فرغانه و حدود طراز و شیروان
و ارزن الروم و نغ و کش و شاش و ختن و اوزکند و درغنا
و کرکلیج و هزاراسب و بعضی بلاد روم مثل عموریه و قونیه و انکوریه
و قیاریه و غیره و جز اول این اقلیم از جانب غرب متصل به بحر
محیط و جز عاشره آن که طرف شرق است متصل به بلاد یا جوج و
ناجوج میباشد و اما مبداء اقلیم سادس از آخر چهل و سه درجه و بیست و دو
دقیقه گرفته در آخر چهل و سه درجه و دو دقیقه و دوازده دقیقه خاتمه می یابد و
از جمله بلاد واقع این اقلیم است قسطنطنیه و موقان و عین و خزر
و المانع و پیش بلخ و خان بلخ و قرقرم و اندلس و پنجاب
و آماستیه و بعضی بلاد روس و جز اول غربی این اقلیم متصل به
بحر محیط و اراضی بریطانیه و جز تاسع ششمی آن متصل به اسکندریه
و جز عاشرش متصل با اراضی یا جوج و نا جوج و بحر محیط میباشد
و اما مبداء اقلیم هفتم از آخر چهل و سه درجه و دو دقیقه گرفته
و در آخر پنجاه درجه و بیست دقیقه که آخر عمارت است خاتمه می یابد

فصل هفدهم

و از بلاد واقع این اقلیم است بعضی اراضی صقلیه مثل اقلیه که به
بیت و سه شهر مشتمل است و بعضی بلاد روس و بلغار و غیره و جز اول
و ثانی از طرف غرب این اقلیم منور در بحر محیط و متصل به جزیره انکاره
و جز عاشرش از طرف شرق منور در بحر محیط و در جزه تاسع این اقلیم
بلاد خشاخ و جبل قرقیا و سدیاجوج و نا جوج و اراضی آنها واقع است
و در جزه نهم ششمی این اقلیم عجایب عظیمه نقل نموده اند و الله اعلم
چون در ذکر بلاد اقلیم هفتم معتاد است اشتباه شده فلذا در تشخیص
واقع در رفع اشتباه اگر رجوع به فصل چهارم شود که طول و عرض بلاد
در آن مضبوط شده بهتر تعیین در تعیین اقلیم بلد میباشد مگر اینکه در استخراج
عرض آن بلد اشتباه شده باشد و ذکر این فصل گزیده چندان محل
حاجت نبوده لکن بلاخطه اینکه عالی از معادنت و تعیین عرض
بلد بود در ذکر آن تائس بر بعضی اعلام حاصل آمد

فصل هفدهم در بیان مقدار اختلاف بین ساعات بلاد
مشهوره که از جمله آنها که مطلقه است سخن این امر عمده و سلیله میباشد
در تشخیص جهات و مقدار طول بلاد و تعیین با بر افاضل طولی بین

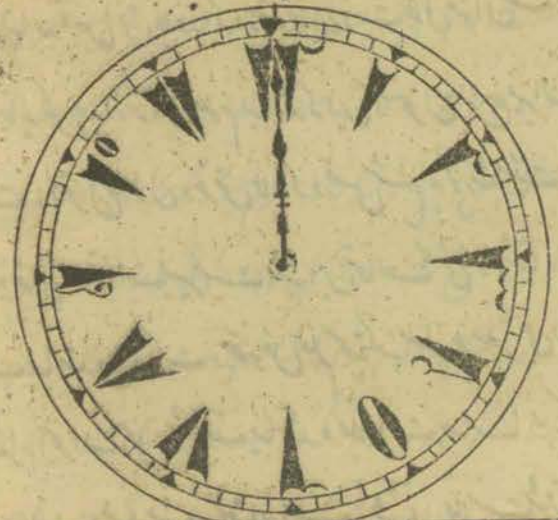
فصل هفتم

که معظمه و بلد مطلوب زیرا که مقدار بیت و چهار ساعت نظیر یسجد و
 شصت درجه و یک ساعت نظیر پانزده درجه و یک درجه نظیر چهار دقیقه
 خواهد بود و غلظت در وقت نصف النهار طهران اگر نصف النهار که
 معظمه چهل و چهار دقیقه باشد معلوم میشود که در یازده درجه طولاً در غرب
 طهران واقع شده و در فرض مزبور اگر در تبریز یسجد و دقیقه نصف آنها
 مانده باشد معلوم میشود که کوشش درجه و نیم در غرب تبریز واقع
 شده و اگر در فرض مزبور که از نصف النهار مشهد رضوی بیت و پنج دقیقه
 گذشته باشد معلوم میشود که در هفده درجه و یک ربع در طول غربی مشهد
 واقع گشته زیرا که در شمال ثانی مابین افتاوت با این که در تبریز بیت
 شش دقیقه خواهد شد و در شمال ثالث مابین که هشتاد و شش دقیقه
 و نه دقیقه میباشد و چندی قبل بعضی از باب فن از زیجات ایرانی
 و خارج از ملاحظه طول و عرض بلاد مقدار اختلاف ساعات و ساعات
 مابین طهران و بعضی بلاد مشهور را بقرا تفصیلات ذیل استخراج نموده
 اگر شخصی بآندک تأمل در مقدار مابین افتاوت ساعات بلاد ذیل صرف
 وقت نماید با کمال سهولت جهت بلد مطلوب و مقدار طول و عرض

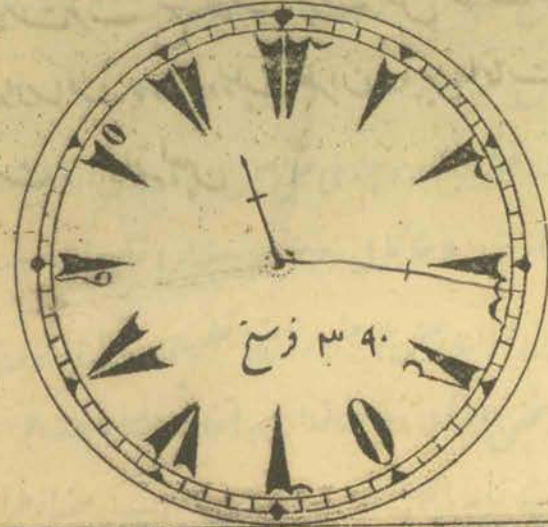
فصل هفتم

از آنست بکه معظمه تعیین خواهد نمود و ممکن است بلا حظه مراتب مزبوره
 تقارب تباعد مابین افق بلاد را که در خصوص رویت بلال عنوان شده
 استخراج نماید لکن بعد از تروی معلوم میباشد که این استخراج راجع بمیزان
 الساعات با استخراج طول و عرض بلاد که در فصل ششم مذکور شد نسبت
 بعضی بلاد خالی از تخالف نیست البته این تخالف ناشی از اشتباه
 در حساب میباشد و مع ذلک در خصوص علم بحیثه کعبه معظمه غیر مضر علی در
 تعیین مقدار انحراف محل و شکست میباشد و علامات جهات را بعد که
 در فوق ساعات ضبط میشود بدین قرار است ق علامت شرق
 ب علامت غرب ج علامت جنوب س علامت شمال
 و ضمناً مقدار مسافت بلاد مزبوره نسبت بطهران در مابین ساعات
 مضبوط شده و الله اعلم

طهران



مکه



بلاد غربتیه دار الخلافه طهران

<p>قزلباشین بیج</p> <p>سافت ۲۰ فرسخ</p>	<p>کاشان بیج</p> <p>سافت ۲۰ فرسخ</p>	<p>اصفهان بیج</p> <p>سافت ۸۵ فرسخ</p>
<p>قزوین پایین بیج</p> <p>سافت ۲۲ فرسخ</p>	<p>ساده پایین بیج</p> <p>سافت ۲۰ فرسخ</p>	<p>اصفهان بیج</p> <p>سافت ۹۵ فرسخ</p>
<p>مشترکین بیج</p> <p>سافت ۸۱ فرسخ</p>	<p>عبادان پایین بیج</p> <p>سافت ۳۲ فرسخ</p>	<p>بادکوه پایین بیج</p> <p>سافت ۷۳ فرسخ</p>
<p>سنندج پایین بیج</p> <p>سافت ۷۲ فرسخ</p>	<p>زنجان پایین بیج</p> <p>سافت ۵۷ فرسخ</p>	<p>بصره پایین بیج</p> <p>سافت ۲۳ فرسخ</p>

بلاذ غربتہ دار الخلافہ طهران

(۷۶)

اردبیل مابین بروج سافت ۷۶ فرسخ	ناوند مابین بروج سافت ۶۲ فرسخ	تفلیس روسیه مابین بروج سافت ۱۴۵ فرسخ
همدان مابین بروج سافت ۶۱ فرسخ	واسط مابین بروج سافت ۱۲۲ فرسخ	شیراز مابین بروج سافت ۱۰۰ فرسخ
شکی روسیه مابین بروج سافت ۱۰۹ فرسخ	حلوان مابین بروج سافت ۱۰۰ فرسخ	مراد مابین بروج سافت ۹۵ فرسخ
کرمانشاه مابین بروج سافت ۸۳ فرسخ	تبریز مابین بروج سافت ۹۴ فرسخ	نخجوان روسیه مابین بروج سافت ۱۱۴ فرسخ

بلاذ غربتہ دار الخلافہ طهران

(۷۷)

خمی مابین بروج سافت ۱۱۵ فرسخ	سرمین مابین بروج سافت ۱۴ فرسخ	بغداد مابین بروج سافت ۱۴۸ فرسخ
عدن عربستان مابین بروج سافت ۵۳۶ فرسخ	کوفه و کربلا مابین بروج سافت ۱۵۴ فرسخ	مصنعی مابین بروج سافت ۴۸۸ فرسخ
رضائیه مابین بروج سافت ۱۱۴ فرسخ	ایروان روسیه مابین بروج سافت ۱۴۳ فرسخ	موصل ارمنیه مابین بروج سافت ۱۵۱ فرسخ
لاذجر دارمنیه مابین بروج سافت ۱۶۵ فرسخ	ارزن الروم مابین بروج سافت ۱۸۰ فرسخ	طاب مابین بروج سافت ۳۷۱ فرسخ

بلا د غریبہ دار الخلافہ طهران

(۷۸)

طائفہ بین برج	ارزنجان مابین بشر	دریندینور مابین برج
رفت ۳۷۹	رفت ۱۹۴	رفت ۳۱۰
طبرزدان مابین بشر	سقو مابین شررت	انطاکیہ شامات ب
رفت ۲۲۱	رفت ۳۶۷	رفت ۲۸۰
بندک ب مایل بحریب	دشن شامات مابین برج	طرابلس شامات مابین برج
رفت ۲۹۴	رفت ۲۸۸	رفت ۲۹۱
حصن شامات ب مایل بحریب	صو شامات مابین برج	بیت المقدس مابین برج
رفت ۱۶۸	رفت ۱۴۴	رفت ۳۱۱










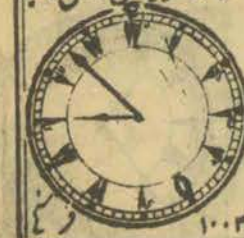
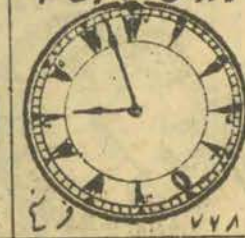
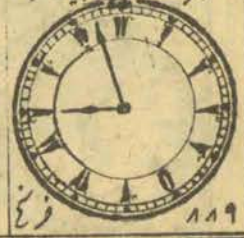
بلا د غریبہ دار الخلافہ طهران

(۷۹)

طلب ب	عقدان شامات مابین برج	قوس از سعید مصر مابین برج
رفت ۱۶۶	رفت ۳۲۶	رفت ۴۳۰
قونیه شامات مابین بشر	دیباط مصر مابین برج	ازبکستان مابین برج
رفت ۳۲۶	رفت ۲۹۳	رفت ۴۰۰
قاهرہ مصر مابین برج	اسکندریہ مصر مابین برج	جری حبشہ مابین برج
رفت ۳۹۳	رفت ۴۷۸	رفت ۷۰۲
پطر بروخ مابین بشر	اودسہ مابین بشر	اسلامبول مابین بشر
رفت ۴۸۰	رفت ۳۹۱	رفت ۴۰۴

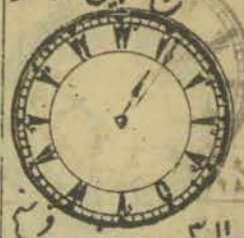
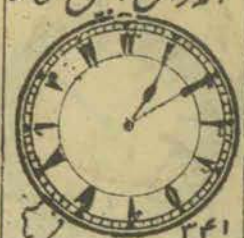
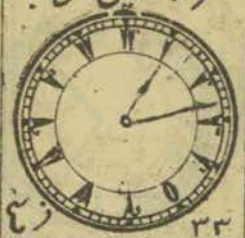
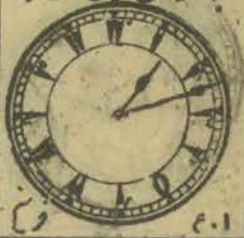
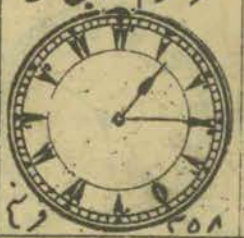
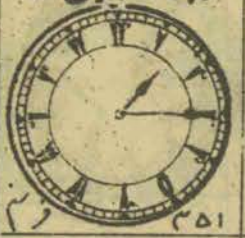
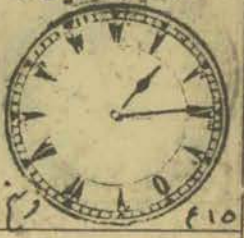
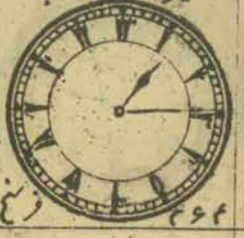
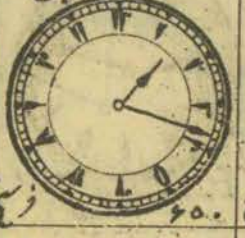
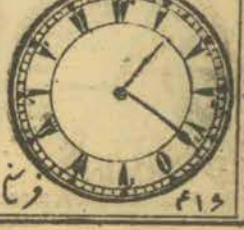
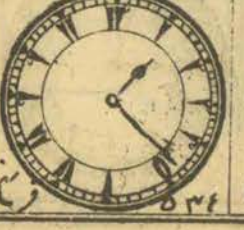
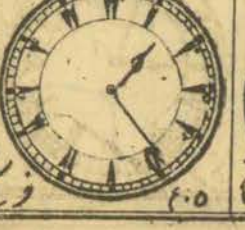
سلا د غمبهدار الخلافه طهران

(۱۰۰)

<p>د فقه نوبه مابین سبج</p>  <p>سلا ۷۷۰</p>	<p>د فک مابین شب</p>  <p>سلا ۹۰۸</p>	<p>د ارساوی مابین سبج</p>  <p>سلا ۷۷۰</p>
<p>د هدیو بر رستان سبج</p>  <p>سلا ۱۶۶</p>	<p>د قطبه اندلس مابین سبج</p>  <p>سلا ۱۴۲</p>	<p>د طنجه بهر سبج مابین سبج</p>  <p>سلا ۱۰۶</p>
<p>د برن مابین سبج</p>  <p>سلا ۶۰۶</p>	<p>د یزبون پور تقال مابین شب</p>  <p>سلا ۱۱۷۸</p>	<p>د وینه مابین شب</p>  <p>سلا ۵۸۸</p>
<p>د کوکراف بقای مرکزی سبج</p>  <p>سلا ۱۰۰۳</p>	<p>د قروان بر برین سبج</p>  <p>سلا ۷۷۸</p>	<p>د تهر سبج مابین سبج</p>  <p>سلا ۸۸۹</p>

سلا د شرقیه طهران

(۸۵)

<p>د کمالیغ مابین قسٹر</p>  <p>سلا ۳۱۱</p>	<p>د انزان مابین قسٹر</p>  <p>سلا ۳۴۱</p>	<p>د غزنه مابین قسٹر</p>  <p>سلا ۳۳۳</p>
<p>د بدخشان مابین قسٹر</p>  <p>سلا ۴۰۱</p>	<p>د قراقرم مابین قسٹر</p>  <p>سلا ۴۵۸</p>	<p>د رباط ابر مابین قسٹر</p>  <p>سلا ۴۵۱</p>
<p>د منصوره سبج مابین سبج</p>  <p>سلا ۴۱۵</p>	<p>د کشمیر مابین سبج</p>  <p>سلا ۴۶۴</p>	<p>د سومات سبج مابین سبج</p>  <p>سلا ۴۵۰</p>
<p>د کاشغ مابین قسٹر</p>  <p>سلا ۴۱۶</p>	<p>د ختن مابین قسٹر</p>  <p>سلا ۵۳۴</p>	<p>د مرقان سبج مابین سبج</p>  <p>سلا ۴۰۵</p>

بلاد شرق قبه طهران

پیش بلخ مابین قبه	تور مابین قبه	گلکنده هندستان
۴۴۶ زنگ	۴۸۱ زنگ	۹۱۳ زنگ
در اسس هندستان مابین قبه	لاهور هند مابین قبه	گلکنده هندستان مابین قبه
۸۵۱ زنگ	۴۵۱ زنگ	۶۵۸ زنگ
بنارس مابین قبه	لکنو هندستان	قوج هند مابین قبه
۲۴۱ زنگ	۶۱۹ زنگ	۶۲۸ زنگ
سرندیب مابین قبه	مرشد آباد هندستان مابین قبه	خان بلخ مابین قبه
۱۱۶۳ زنگ	۸۶۷ زنگ	۶۵۴ زنگ

بلاد واقع در شرق طهران

کبوز بران مابین قبه	کبوز بران مابین قبه	
۱۱۲۷ زنگ	۱۱۲۷ زنگ	
کاشان مابین قبه	کاشان مابین قبه	
۱۲۴۰ زنگ	۱۲۴۰ زنگ	
کبوز مابین قبه		
۱۵۷ زنگ		

فصل هجدهم

فصل هجدهم در بیان موجبات اختلاف رویت هلال در بعض بلاد و در بعض و بیان ضابط تعارض تباعد آفاق بلاد بیان حکم رویت در بعض نسبت به بلاد متباعد که در آنها رویت حاصل نشده و توضیح حال در انتقال محتاج برسم امور است **اخراق** در بیان موجبات اختلاف رویت با آنکه سبب اختلاف رویت تارة اوضاع ارضیه میباشد مثل قطع و تضریب آن از جهة شمال بحیال شامخه و نحو ذلک و تارة ثابته سبب اوضاع هواییه میباشد مثل صحو و غیم و صفاد کدوره و غلظه آبخیزه و ررقه آن و تارة ثالثه سبب اختلاف اوضاع سماویه میباشد مثل بودن هلال در تحت شعاع و خروج از آن و برج این قسم فی الواقع بقسم رابع میباشد کما اینکه واضح خواهد شد و تارة رابعه سبب تباعد آفاق بلاد میباشد در طول فقط و یا در عرض فقط و یا در هر دو امر و قوم در بیان اشاره بکلمات جمعی از اعلام خاصه در مقام بیان تعارض تباعد بلاد که از جهة قناعت بذکر مثال توهم میشود که طاک تباعد و تعارض را تباعد و تعارض عرفی دانسته اند از شل اینکه شیخ الطایفه علیه الزموان در موطا بیلا و متعارف بعد اود و

(دکوفه)

بلاد شرقیه دار الخلافه طهران

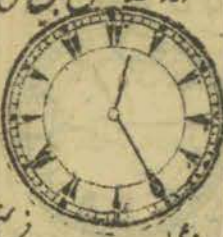
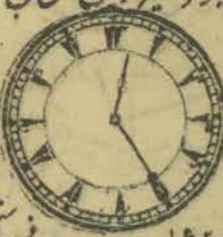
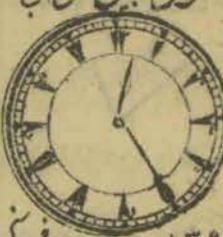

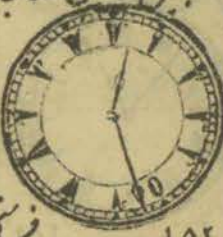
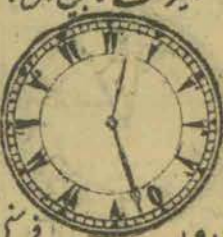
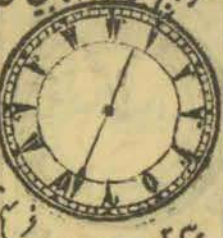

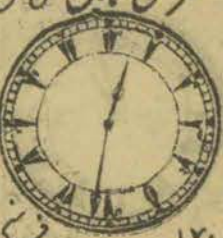
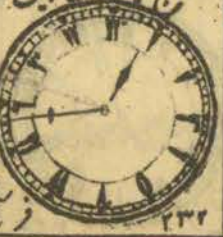
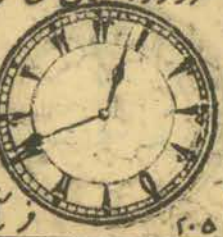

(۸۱)

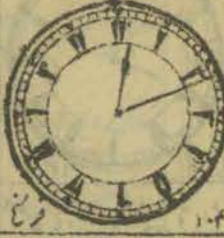
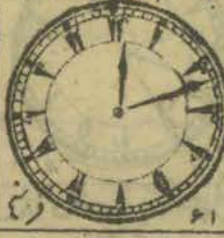

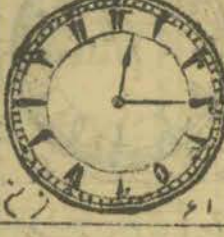
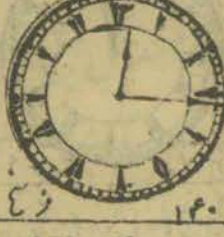
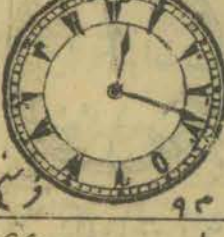
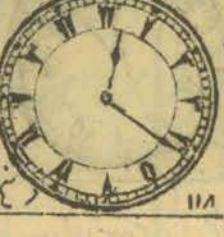
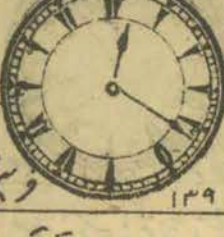
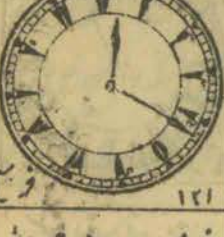
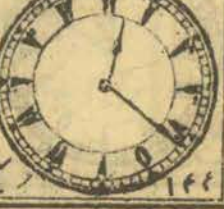

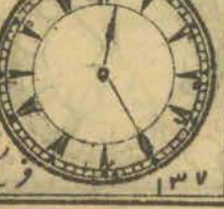
پاریس باین شرب ۷۸۵ رخ	لندن باین شرب ۸۵۱ رخ	روس قس منرب بین ۱۳۶۰ رخ
اصفهان ق ج ۵۹ رخ	بلاد شرقیه طهران ازده جان بین ق ج ۶۹ رخ	ایل ناز ندران باین ق ج ۲۳ رخ
یزد آباد باین ق ج ۱۴۴ رخ	ساری ناز ندران باین ق ج ۲۳ رخ	شیراز باین ق ج ۱۳۲ رخ
سمنان ق ج ۲۹ رخ	صخر فارس باین ق ج ۱۳۶ رخ	دامغان باین ق ج ۳۸ رخ

بلا د شرقیہ طهران




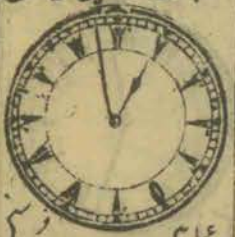


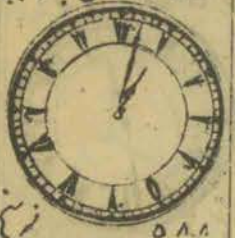
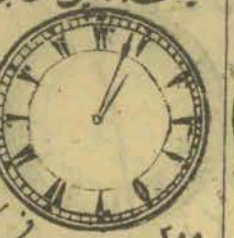
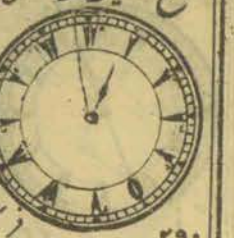
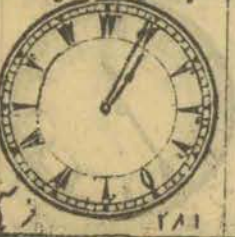
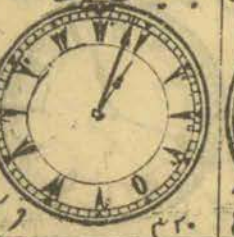

بلا د واقعہ رشرق دار الخلافہ طهران

(۸۲)

<p>شہد مقدس مین قش</p>  <p>۱۴۰</p>	<p>بردسیر مین قش</p>  <p>۱۶۲</p>	<p>قون مین قش</p>  <p>۱۳۹</p>
<p>قاین مین قش</p>  <p>۱۶۴</p>	<p>جنیس مین قش</p>  <p>۱۵۲</p>	<p>جیرفت مین قش</p>  <p>۱۹۰</p>
<p>کرکاب خاںزاد مین قش</p>  <p>۲۳۰</p>	<p>ہرات مین قش</p>  <p>۲۰۹</p>	<p>سرخس مین قش</p>  <p>۱۷۰</p>
<p>زردکستان مین قش</p>  <p>۲۳۲</p>	<p>موردوز مین قش</p>  <p>۲۰۵</p>	<p>ہزار اسف مین قش</p>  <p>۲۲۷</p>

<p>یزد مین قش</p>  <p>۱۰۴</p>	<p>بظام مین قش</p>  <p>۶۱</p>	<p>اسر آباد مین قش</p>  <p>۶۶</p>
<p>جرجان مین قش</p>  <p>۶۱</p>	<p>سیرجان مین قش</p>  <p>۱۴۰</p>	<p>مزنجان مین قش</p>  <p>۹۵</p>
<p>سبزدار مین قش</p>  <p>۱۱۸</p>	<p>نریشیر مین قش</p>  <p>۱۳۹</p>	<p>طبس مین قش</p>  <p>۱۲۱</p>
<p>کرمان مین قش</p>  <p>۱۴۴</p>	<p>ہم مین قش</p>  <p>۱۸۳</p>	<p>نیشابور مین قش</p>  <p>۱۳۷</p>

(۸۱)

<p>فارما بین قش</p>  <p>۲۷۸ قش</p>	<p>قصه کران بین قج</p>  <p>۲۵۹ قج</p>	<p>بخارا ما بین قش</p>  <p>۲۳۹ قش</p>
<p>خمسه ما بین قش</p>  <p>۲۱۶ قش</p>	<p>سمرقند ما بین قش</p>  <p>۲۸۶ قش</p>	<p>کیش ما بین قش</p>  <p>۲۷۶ قش</p>
<p>تازار ساحل بحر هندین</p>  <p>۵۸۱ قش</p>	<p>سیست ما بین قج</p>  <p>۲۰۰ قج</p>	<p>بلخ ما بین قش</p>  <p>۲۹۰ قش</p>
<p>قبادیان ما بین قش</p>  <p>۲۸۱ قش</p>	<p>بابان ما بین قج</p>  <p>۲۲۰ قج</p>	<p>سیمکان ما بین قش</p>  <p>۲۳۵ قش</p>

فصل هجدهم

فاصله ما بین الفروبین بالغ بقدر یک ساعت می باشد زیرا که فاصله هر یک
از اقالیم مطالع و مغارب نیم ساعت فرق نیاید و لذا ما بین بلاد واقع
در اقلیم اول و بلاد واقع در استلیم سابق سه ساعت نیم در مطالع و مغارب
فرق می باشد و اگر تبعاً هم در طول و هم در عرض باشد اختلاف مطالع و
مغارب ما بین دو بخش می باشد خصوصاً در صورت تزیاید تفاوت و بعد
از اعطای برابر مزبور در تحقیق ضابط تقارب تبعاً ممکن است که اشک
صاحبه از بعضی اعلام خاصه که در امر دویم مذکور گردید شماره ضابط مزبور باشد
که بعضی از اشک منقوله حال از حد شده نخواهد شد امر خاص
در نقل بعضی از اخبار آورده در خصوص رویت هلال منها ما عن ابی
عبد الله انه سئل عن الایة فقال هی الایة المشهوره فاذا رایت الهلال
فضم و اذا رایت فافطر قلت ارایت الحان الشهر تسعة و عشرين یوماً قضی
ذکک الیوم فقال لا الا ان یشد لک نیت عدول فان شددوا انتم
رؤا الهلال قبل ذکک فاقض ذکک الیوم و منها ما عن ابی جعفر
قال قال امیر المؤمنین اذا رایت الهلال فافطر و اوشد علیه عدول
من المسلمین الی ان قال و ان عم علیکم فقدوا اثین بلیه ثم افطر و

فصل هجدهم

ومنها ما عن ابي عبد الله انه سئل عن اليوم الذي يقضى من شهر رمضان
فقال لا تقضه الا ان ثبت شاهدان عدلان من جميع اهل اقصية متى كان
رأس الشهر وقال لا تقض ومنها ما عن عبد الرحمن بن ابي عبد الله
قال سئلت ابا عبد الله عن بلال رمضان فبقيت عينا في سبع وعشرين من
شبان فقال لا تقض الا ان تراه فان شهد اهل بلد آخره فاقضه
ومنها ما عن محمد بن عيسى قال كتب اليه ابو عمر اخبرني يا مولاي انه جاء
اشكل علينا بلال شهر رمضان ولا تراه ونرى السماء ليست فيها علة و
يفطر الناس ويفطرهم ويقول قوم من احتساب قبلنا انه يري في
نكته ايضه بيننا بمصر وافريقية والاندلس بل يجوز يا مولاي ما قال الحسن
في هذا الباب حتى يختلف الفرض على اهل الامصار فيكون صومهم خلاف
صومنا وفطرهم خلاف فطرنا فوقع عيد اسلام لا تقص من بالثك افطر
لو روية وهم لو روية ومنها ما رواه اكر بن اتم الفضل ثبت الحرف
مبته الى معاوية بالشام قال فعدت الشام فقضت بها حاجتي واتي
عينا رمضان فرأينا الهلال ليلة الجمعة ثم قدمت المدينة في آخر
الشرف فقلتني عبد الله بن عباس ذكر الهلال فقال متى رأيتم الهلال

قلت

فصل هجدهم

قلت ليلة الجمعة فقال انتي راية تحت نهم وراه الناس وصاموا
وصام معاوية فقال كتنا رأينا ليلة السبت فلا تزال نضوم حتى نخل
العد وادناه فقلت افلا يحقن برؤية معاوية وصيامه قال لا هكذا امرنا
رسول الله صلى الله عليه وآله امرت اني اس در بيان مختار و صورت
رويت بلال در بعض بلاد سجاعده دون بعضي بدانكه هرگاه ثابت شد
رؤيت بلال در بلدي ثابت ميشود حكم رؤيت باهل بلد آخره كه با آن
بلد تقارب در افق باشد بدون خلاف و اما ثبوت حكم رؤيت
نسبت باهل بلد آخره كه قباعد در افق باشد محل خلاف است
مشور عدم ثبوت حكم رؤيت و حضور ثبوت آن میباشد و كفايت
ميكند از جهت دلالت بر حضور اطلاق تعلق صوم و افطار بر روية در اخبار
عديده و اطلاق كفايت رؤيت اهل بلد با اهل بلد آخره در اخبار
سعدده و دعوي انصراف ببلد تقارب مرفوع است مضافا
بر اينكه موضوع شهر از امورات عرفية است نه از مخترعات پس مدار
در ثبوت برف است و فرق ما بين بلاد تقاربه و قباعد در عرف
ثابته عدم است و اما نفي و ايراد از صوم در روايت محمد بن عيسى

از جهت

فصل هجدهم

از جهت شک در رویت در بلاد متباعده میباشد بلکه تعلیق افطار و
صوم بر رویت بعد از نسی از محل بر طبق شک در روایت مزبور به اینکه
بلاد مسؤل عنها از بلاد متباعده است نسبت ببلد سائل و دلیل بر تصور
است که عبارت از اتحاد حکم بلاد متباعده باشد در صورت تحقق
رویت در بعضی و اما حکم بن عباس منافی با تصور نیست زیرا که
کرب بن اتم افضل علاوه از اینکه شاهد واحد است ممکن است
در نزد ابن عباس هم مقبول الشهاده نبوده باشد و اما استدلال
صاحب جواهر بر تصور از جهت منع اختلاف در بطالع و تقارب رانها
در ربع مسکون و منع کوه و تپه ارض یا از جهت بلوغ اختلاف بقدر اعتدال
نسبت ببلد سمار پس مردود است با وجدان و برهان و اما تمسک
بمخار بقوله علیه السلام در دعای معروف و جعلت رویتها کسب
الناس مرأی واحد الحمدوش است باینکه مراد عدم تفاوت
و اختلاف در رویت نیست زیرا که این خلاف واقع است
بلکه مراد بیان تعان صانع و تدبیر و اظهار قدرت حضرت احدیت
است که شمس و قمر را بکسب اهل ارض سراج قرار داده و همه مخلوقات

فصل هجدهم

و کوفه و کرب موصل را و بلاد متباعده بغداد و خراسان و بغداد و بصره را
تمسک آورده و مع ذلک آنرا حوم اتفاق در عرض را شرط تقارب بلاد
دانسته و مثل علامته در تذکره که بغداد و کوفه را بتقارب بلاد و بغداد و خراسان
و جاز و عراق را ببلاد متباعده شمال آورده و مثل تحقق در مستبر که چه آنرا حوم
در ظاهر شمال ذکر نکرده لکن از استنباط آنرا حوم بقبرای عبدالنهر بن عباس
معلوم میشود که مثل شام و مدینه را نسبت بهم از بلاد متباعده دانسته زیرا که
عبدالنهر بن عباس قولی مزبور را در خصوص مدینه داده که رویت لیل در
شام دلیل با اهل مدینه میباشد و مثل شمشید اول در ذکر و کسب ببلاد
متقارب بغداد و بصره را و ببلاد متباعده بغداد و بصره را مثال زده و معذک
احتمال داده کفایت رویت لیل را در بلاد شرقیه نسبت با اهل بلاد مغربیه
حیث قال بالفظه و یجتمعت ثبوت الهلال فی البلاد المغربیه برویت فی المشرقیه
و ان تباعدت للقطع بالزویه عند عدم المنافع انتهى امر مستوی در بیان
میزان تقارب متباعدت و جماعتی از شافعیه بدانکه علامه اعلی الله مقامه
در تذکره بایشان مسأله عدید نسبت داده و فرموده بعضی از ایشان
میزان تقارب را اتفاق اقلیم و میزان تباعد را اختلاف اقلیم میداند

فصل هجدهم

و برخی از ایشان میزان تقارب را اقل از مسافت تقصیر و میزان
 تباعد را بلوغ بمقدار مسافت تقصیر میداند و مراد از مقدار مسافت
 قصر در نزد این بعضی کما یک علامه در سنتی تصریح فرموده عبارت است
 از چهل و هشت میل که شانزده فرسخ میباشد و بعضی از ایشان میزان تقاربا
 اتفاق مطلق مثل کوفه و بغداد و میزان تباعد را اختلاف آن مثل حجاز
 و عراق دانسته و بعضی از ایشان میزان تقارب را اتفاق در ظاهر
 و میزان تباعد را تفاوت در مناظر دانسته کجبه از ارتفاع و استخفاف
 بلاد و لو با فرض مجادرت و عدم بلوغ بمسافت قصر و این قول راجع
 بتفصیل با اوضاع ارضیه مثل تسلیم و تقصیر می باشد و لذا علامه اعلی
 تقاربه بعد از نسبت این قول بعضی شافیه نفی قائل نموده است
 چهارم در بیان مختار در خصوص ضابطه تقارب و تباعد بدین
 آنچه از کلمات ارباب تحقیق در میزان تباعد استناد میشود عبارت
 از اینکه اقلاً فاصله مابین الظلین دو بلد بالغ باشد بمقدار پانزده درجه
 که موجب تفاوت یک ساعت در مطالع و مخارج است زیرا که
 هر یک از آفتاب ماه با حرکتی که در یک دوره را که عبارت باشد

فصل نهم

از سیصد و هشت درجه در مسافت چهار ساعت تمام نیاید و بعد از تقسیم
 عدد درجات بعد ساعات خارج قسمت پانزده درجه باشد
 و ضمناً باید دانست ماه هر روز پنجاه دقیقه و یا چیزی بیشتر تا قریب یک
 ساعت در طی راه از آفتاب عقب میماند فلذا اطلاق در شب رویت
 یعنی در اول بر ماه بمقدار فرورد در طی راه از آفتاب عقب میماند
 و این باید فهمید که ماه در فلک خود با حرکت خاصه هر برج را دراز
 از دو روز و کمتر از سه روز قطع نیاید و بعد از دانستن این دو امر واضح
 میشود امکان رویت در یکی از بلدین که بفاصله پانزده درجه در طول
 هم واقع شده اند و عدم امکان در آخر بلحاظ اینکه در فاصله مذکور
 تفاوت غروب آفتاب در بلدین مغربین بالغ بمقدار یک ساعت
 میباشد پس در بلادیکه غروب آفتاب یک ساعت قبل واقع شده
 ممکن است ماه در همان محل در تحت شعاع ماهه رویت آن غیر میسر شود
 بخلاف بلدیکه غروب آفتاب یک ساعت بعد از بلد اول واقع شده
 بلا حظه حرکت خاصه ماه و از دیاد بعد آن از آفتاب ماه در تحت شعاع
 خارج گشته رویت آن در همان محل میسر خواهد شد و از توضیحات

هر قدر در مابین هلال و آفتاب مسافت زیاد باشد رویت با اسهل می باشد
 و از مجموع مراتب زبور معلوم گردید که ممکن است رویت هلال در بلد غربی
 دون شهرتی مگر فاصله مابین غروب آفتاب بلدین کمتر از یک ساعت
 باشد پس باینصورت منحصر می باشد استلزام رویت هلال در بلد شرقی بر
 آزاد در بلد غربی و از اینجا واضح می شود احتمالی که شهید اول در دروس داده
 علی غلطه غیر صحیح می باشد و این از اینجا ظاهر می شود و چون نظر در قول ناظم
 اذا بدا الهلال في المغرب في الليلة الاولى يري في الغالب
 که اینک لفظ غالب اشاره به تفصیل مذکور باشد و از تمامی مطالب فوق
 روشن گردید که اقل میزان تباعد آفاق بلاد از جهت طول جبراست
 از بلوغ مابین آنهاصل بر پانزده درجه و هر چه ازین باشد تباعد محض خواهد
 شد که اینک مابین غروبین لندن و پونته مینچ ساعت الا چهار دقیقه فرق
 می باشد زیرا که بلدین زبورین با هم دیگر می نهادند و چهار درجه تفاوت طولی
 دارند یعنی لندن در غربی پونته واقع شده و بدین سوال است ضابط
 در اختلاف عرضی بلاد مثل اینکه بلد که رویت هلال در آن شده
 در سید و تسلیم اول واقع شود در بلد آخر که در سید، قلمیم ثالث و هشده

از شمس و قمر استخوانه نمایند و بعد اهل عالم یک شمس و یک قمر را در صحیح
 بلاد مشاهده نمایند پس بعد از ترویج در مراتب زبور و واضح شود از اتحاد
 حکم رویت و لو در بلاد متباعد و اینکه میزان بلاد مختلف بلاد متساوی باشد
 نیست و از اینجا ساقط می شود قول باسکان بودن شهر صیام می و یک
 و یا میت و هشت روز که تفریح بر قول مشهور بود و این تبدیل حکم را در حق
 شخصی که هلال صیام را در بلد خود دیده بعداً با سفر منتقل شده ببلد دیگر
 مخالف است با بلد زبور در حکم حیث قال العلامة فی المنسب باللفظ
 فرغ علی قول المیندر رحمه الله و سانس من رای الهلال فی بلد الی
 بلد لم یری الهلال فیه بعد تمشیش یوما فالوجه انه یصوم معهم بحکم الحال
 و قال فی الدرر و س باللفظ فرغ الاول لورای الهلال فی بلد
 سا فرالی آخر مخالفه فی حکم منتقل حکم الیه فیصوم زاید و یطیبر علی
 شانیه و عشرين حتی لو اصبح سبعا ثم انتقل اسکت لو اصبح صائما للروية
 ثم انتقل منی جواز الا فظا لظهور و لو ردی الاحتیاط فی مذ. المفروض
 کان اولی انتی **خاتمه** در بعض فوائد نافعه .
فائده از اوردت مزق بروج القمر فاصعب ما مضی معک من

خاتمة

٩٨

الشهر العربي وزد على ذلك خمسة فائق لكل برج خمسة ايام وابد وبالعدد
 من برج الشمس فاذا انتهت الى برج لايم خمسة فالقمر في ذلك البرج مثل
 ان يكون الشمس في برج الدلو وقد مضى من اشهر احد عشر ضفتنا باصا
 اثني عشر وعشرين وزدنا با خمسة صا اربع سبعة وعشرين يوما فلما خمسة و
 عشرون خمسة بروج يعني يومان لفرجهما في ستة يكون اثنا عشر درجة
 فنقول الدلو د ا ح ك ت و ا ب ج د ه و ز د ا ح و ز ا فالقمر في اثنا عشر درجة
 من برج السرطان ونعم ما قبل هر چه از ما به شد مثنى كن
 پنج ديگر فراي بر سه آن پس بهر پنج از آن ز خانه شمس خانه كبر و جاي
 ميدان و آنچه ماند در آخير منزل ضرب كن در شمس و برج ميدان
 و قبل في ذلك زد على الايام التي مضت منك من الشهر العربي ثلثها
 واقسم على البروج سبعة سبعة فمضى اي برج تفتي القسمة فيه فالقمر في ذلك
 البرج قيل ايضا في معرفة ذلك انظر الى الشهر العربي في اي جزء
 من اجزاء الشهر الرومي استهل ثم انظر كم مضى من الشهر العربي الذي انتهت
 فيه ثم قسم هذه الايام على المنازل وابد من المنزل الذي استهل القمر من
 مقابل من اجزاء الشهر الرومي فمضى اي منزل تفتي القسمة فيه فالقمر

خاتمة

٩٩

في ذلك المنزل في اليوم الذي حسبت فيه فائدة اذا اردت معرفة
 برج الشمس فاضف باض من منك من الشهر العربي وزد عليه خمسة واثني
 لكل برج خمسة وابد بالعدد من موضع القمر بالعكس الى جهة المغرب فاذا
 انتهت الى برج لايم خمسة فالشمس في ذلك البرج فائدة اذا اردت
 ان تعرف ان زحل في اي برج خذ من الهجرة الى السنة التي تريد تقويم
 زحل منها ثم زد عليه ثمانين ثم اطرح المجموع ثمانين ثمانين الى ان يبقى
 ثمانون او اقل ثم قسم الباقي على البروج معتقري وابد من برج الجدي
 لكل برج ستين ونصف سنة فائدة اذا اردت ان تعرف ان اشترى
 في اي برج زد على الهجرة ستين ثم اطرح المجموع ثمانين ثمانين الى ان
 يبقى ثمانون او اقل ثم قسم الباقي على البروج معتقري وابد من الجوزاء
 لكل برج سنة فائدة اذا اردت ان اخرج في اي برج اطلب
 سن الهجرة ثلثة ثلثة الى ان يبقى ثلثة او اقل ثم اجعل شهورا ثم اطرح
 اشهر ثلثة ثلثة الى ان يبقى ثلثة او اقل ثم قسم الباقي على البروج
 معتقري وابد من الثور لكل برج شهرا ونصف شهر فائدة اذا
 اردت ان الزهرة في اي برج اطرح سن الهجرة خمسة خمسة الى ان يبقى



خاتمة

عنه او قبله او بعد الباقي شورا ثم زد على هذه الشهور ستين يوما ثم اطلع الجوز
عشرة اشهر عشرة اشهر ان سبب عشرة او قل ثم قسم الباقي على البروج
مقتضى وابد من الميزان لكل برج خمسة اشهر وعشرة ايام فائدة اذا اردت
ان عطار دني اي برج اطلع سني الهجرة ثلثة ثلثة الى ان يبقى ثلثة او اقل
واجعل الباقي شورا ثم اطلع سبعة اشهر وستة ايام ثم زد على الباقي ستين
يوما ثم قسمه على البروج مقتضى وابد من اسبلة لكل برج ثمانية ايام +
فائدة شرف الشمس في ثلثة عشر من الحمل وشرف القمر في ثلثة من الثور
وشرف زحل في احد وعشرين من الميزان وشرف المشتري في خمسة عشر
من السرطان وشرف المريخ في ثمانية وعشرين من الجدي وشرف عطارد
في خمسة عشر من اسبلة وشرف الزهرة في سبعة وعشرين من الكوكب
وشرف الذنب في ثلثة من الجدي وشرف الرأس في ثلثة من الجوزاء
فائدة اذا اردت اعد وثلثون يوما في اثنا عشر يوما منه تدخل الشمس في برج
الحمل وعند مستوى الليل والنهار سيات ثلثون يوما في اثنا عشر
يوما منه تدخل الشمس في برج الثور فقصر ساعات النهار ثلثة عشر وساعات
الليل احد عشر ايام احد وثلثون يوما في ثلثة عشر منه تدخل الشمس في

خاتمة

الجوزاء فقصر ساعات النهار اربعة عشر وساعات الليل عشرة حوزان
ثلثون يوما في اربعة عشر يوما منه تدخل الشمس في السرطان فقصر ساعات
النهار خمسة عشر وساعات الليل ثلثة تموز احد وثلثون يوما في ثلثة عشر
يوما منه تدخل الشمس في الاسد فقصر ساعات النهار اربعة عشر وساعات
الليل عشرة آب احد وثلثون يوما في ثلثة عشر منه تدخل الشمس في
اسبلة فقصر ساعات النهار ثلثة عشر وساعات الليل احد عشر ايلول
ثلثون يوما في ثلثة عشر منه تدخل الشمس في الميزان ويستوي الليل والنهار
ثانيا تسعين ايلول احد وثلثون يوما في ثلثة عشر يوما منه تدخل الشمس
في العقرب فقصر ساعات النهار احد عشر وساعات الليل ثلثة عشر
تسعين ثانيا ثلثون يوما في اربعة عشر منه تدخل الشمس في القوس
فقصر ساعات النهار ساعات اربع ساعات اربع ساعات اربع ساعات
اخذ وثلثون يوما في ثلثة عشر منه تدخل الشمس في الجدي فقصر ساعات
النهار ثلثة وساعات اربع ساعات اربع ساعات اربع ساعات
يوما في احد عشر يوما منه تدخل الشمس في الدلو فقصر ساعات النهار
عشر وساعات اربع ساعات اربع ساعات ثمانية وعشرون يوما

خاتمه

و فی عشرة ایام منه تدخل الشمس في الكوكب فقصير ساعات النهار احد عشر و
ساعات اقبل ثلثه عشر و نغم ما قبل و دوشین و دو کانون و
پس آنکه شباط و آذر و نیمان ایار است و حزیران و توتوز و
آب و ایلول و نکه دارش که از من یادگار است

لما الحمد على انما من انطباعه في مطبعه علي طبع كردن
۱۲۴۹

صواب	صواب	صواب	صواب	صواب	صواب
۳	۳	واحد	۴	۱	الله
۹	۱۳	ارزنگا	۲۴	۸	ست
۲۵	۱۲	درب ۷۷۰	۷۷	۲۹	۱۴
۲۵	۱۲	درب ۴۴	۴۴	۲۵	۱۴
۳۹	۱۵	قرطبه	۴۰	۱۱	درب ۶۵
۴۲	۱۲	ارزان بانظر	۲۸	۳	دایره
۴۸	۱۱	قبا	۵۰	۱۲	مستقیم
۵۲	۶	درب ۷۷۰	۵۳	۷	اربل

صواب	صواب	صواب	صواب	صواب	صواب
۵۸	۱۲	از اعتبار	۶۰	۱۰	حاصل شود
۶۶	۷	نزهه	۶۷	۱۰	بجربن
۶۷	۱۱	و بیل	۶۸	۱۲	آره جان
۷۱	۹	مضبوط	۷۱	۱۲	حاصل آید
۷۳	۱۱	مضبوط	۷۶	۳	حلوا
۷۷	۳	۳۳ دقیقه	۷۷	۴	ازین ازین
۷۷	۴	عطر طایف	۷۸	۱	نوع طایف
۸۱	۳	فرس نیراز	۱۲۲	۸۱	۴۸ فرس
۸۳	۴	نوع ازین	۴۳ دقیقه	۸۷	۲
۸۸	۱۰	تقسیم	۸۸	۱۵	امثل
۹۳	۱۱	اقصه	۹۷	۳	بلا
۹۷	۱۱	سافر	۹۸	۱۲	انظر
۱۰۰	۵	ستین	۱۰۱	۱۱	النهار
۱۰۱	۱۵	عشر	عشر		

« با تمام آغا اسمعیل ولد مرحوم شهید اسد فاطمی »



